

بررسی ساختارهای اشتغال در بخش صنعت و روند تحولات آن

محمد مهدی مفتوح
(دکترای اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد)

اهمیت ویژه‌ای دارد. تجربه توسعه اقتصادی در جهان بیانگر این واقعیت است که اغلب کشورهای توسعه یافته، از طریق توسعه صنعتی و همچنین تأکید بر نقش فعالیت‌های صنعتی در ترکیب تولید ناخالص داخلی، به پویایی اقتصادی رسیده‌اند. بنابراین سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی کشورهای یکی از شاخص‌های اساسی در توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۷۵، معادل ۱۵/۷ درصد بوده است. در حالی که این سهم برای کشور کره جنوبی در سال (۱۹۹۵)، معادل ۴۰ درصد بوده است. که این خود نشان‌دهنده کم‌توجهی و عدم رشد کافی بخش صنعت در کشور ماست. (۱)

پس از انقلاب صنعتی در اروپا و پیشرفت علوم و فن‌شناسی، بخش صنعت یکی از بخش‌های اصلی و مهم اقتصاد کشورها شده است. این بخش علاوه بر جایگاه مهمی که در درآمد ملی دارد، نقش مهمی نیز در اشتغال نیروی کار، درآمد و مصرف داشته و دارد. انتخاب استراتژی‌ها و سیاست‌های صنعتی در توسعه بخش صنعت و به تبع آن در اشتغال زائی و تقاضا برای نیروی کار مؤثر بوده است. در این مقاله سعی خواهد شد تا ساختار اشتغال در بخش صنعت و معدن کشور با توجه به نسبت‌های مربوط به اشتغال در بخش صنعت، از قبیل میزان اشتغال، بهره‌وری نیروی کار، سرمایه‌بری یا کاربری صنایع ایران و ... بررسی شود و سپس با محاسبه چند

این مقاله، ضمن مروری بر تعاریف جمعیتی، وضعیت بازار کار ایران را بررسی می‌کند و در ادامه به نقش صنعت در اشتغال زایی می‌پردازد.

مقدمه

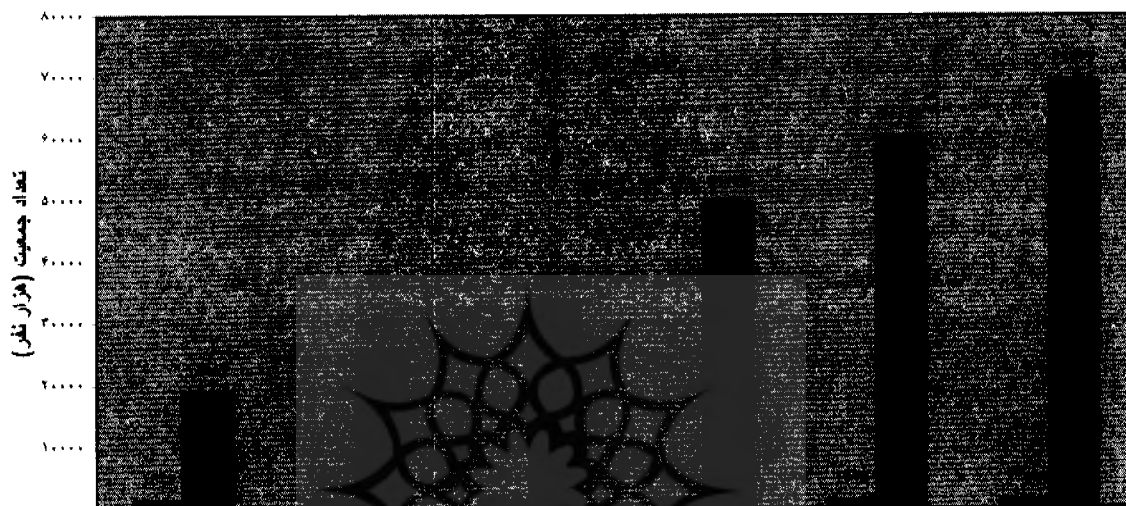
صنعت یکی از بخش‌های مهم و اساسی اقتصاد کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه صنعتی است. رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه را برای رشد و توسعه سایر بخش‌ها، از جمله کشاورزی، خدمات، حمل و نقل و انرژی فراهم می‌سازد. بدون رشد و توسعه صنعت، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود. با توجه به اهمیت اشتغال و نیروی انسانی در مسائل اقتصادی کشور و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری، اشتغال‌زایی در بخش صنعت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. تجزیه و تحلیل روند اشتغال صنعتی و ساختار آن در سطح کشور مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توان بالقوه صنایع و ترکیب آن در کل کشور است. تا از این طریق بتوان برنامه‌ریزی و اشتغال‌زایی متعادل و متوازی را در کشور ایجاد کرد. شناسایی ساختار اشتغال در بخش صنعت و معدن در سطح ملی و منطقه‌ای، با توجه به سهم این بخش در تولید ناخالص ملی از یک طرف و از طرف دیگر توزیع آن در سطح کشور در جهت رشد و توسعه متوازن اشتغال،



جدول (۱)- جمعیت کشور و نرخ رشد آن

ردیف	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	
۱	جمعیت کشور (هزار نفر)	۱۸۹۵۴	۲۵۰۷۸	۳۳۷۰۸	۴۹۴۴۵	۶۰۰۵۵	۶۴۹۰۷	۶۵۶۵۷	۶۶۶۸۰	۶۷۶۵۶	۶۸۵۸۸	۶۹۴۷۷
۲	نرخ رشد متوسط سالانه (درصد)	-	۲/۸۴	۳	۳/۹	۱/۹۶	۰/۷۸	۱/۲	۱/۶	۱/۵	۱/۴	۱/۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری، سال‌های مختلف، مرکز آمار ایران؛ دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور



سد

نسبت، برخی ویژگی‌های این بخش را در کشور نمایان کرده و در انتها؛ نتایج مقاله جمع بندی شده و پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

۱) بررسی و تعریف برخی از مفاهیم مهم جمعیتی و تغییرات آن

ساختار جمعیتی یک کشور و بررسی تحولات آن در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از طرفی پدیده‌های اقتصادی نیز موجب پیدایش تحولاتی در ساختار جمعیت می‌شود. به طور کلی شرایط مطلوب اقتصادی ترکیب جمعیت ایده‌آلی را در بلندمدت بوجود خواهد آورد. ترکیب جمعیتی مناسب نیز بستری جهت توسعه اقتصادی یک کشور ایجاد می‌کند. از این رو شناخت برخی از ویژگی‌های جمعیتی ما را در شناخت و کاربرد مسائل اقتصادی یاری خواهد کرد.

براساس نتایج سرشماری مختلف طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ مشاهده می‌شود که جمعیت کشور از ۱۸۹۵۴۰۷۴ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۶۰۰۵۵۴۸۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است. و سرانجام طی سال ۱۳۸۰ به ۶۴۹۰۷۰۰۰ میلیون نفر و در سال ۱۳۸۵ به ۶۹۴۷۷۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

طبق این جدول از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۶۵ جمعیت با یک نرخ

فزاینده‌ای در حال رشد بود، که بالاترین نرخ رشد برای دهه (۶۵-۱۳۵۵) یعنی ۳/۹ درصد بوده است. پس از این دهه با اتمام جنگ تحمیلی و شرایط سخت اقتصادی، شرایط اجتماعی و فرهنگی و تبلیغات زیاد، سعی در کاهش نرخ رشد داشته‌ایم. به طوری که این کاهش در دهه (۷۵-۱۳۶۵) به خوبی قابل رؤیت است. لازم به ذکر است نرخ رشد متوسط سالیانه جمعیت در سال ۱۳۸۵ رقم ۱/۳ درصد بوده است. نرخ رشد بالای جمعیت طی دهه‌های گذشته، سهم افراد جوان (۱۹-۰۰ ساله) کشور را افزایش داده است (جدول ۲).

جمعیت بین (۶۴-۲۰ ساله) در کشور، بیشترین سهم را در جمعیت کشور داشته‌اند. پس در نتیجه یکی از مشکلاتی که کشور در سال‌های آینده و حتی از هم اکنون با آن مواجه است و خواهد بود، ایجاد شرایط زندگی و کار و... برای این افراد بوده و می‌باشد. که در این بین با توجه به رشد بخش صنعت در جهان و صنعتی شدن جهان، شاید مهمترین بخش اشتغال‌زا در آینده، برای تمامی کشورها (از جمله ایران به خاطر گذار از مرحله توسعه نیافتگی) صنعت باشد. پس لزوم توجه به اشتغال در این بخش و ایجاد شرایط لازم برای صنعتی شدن، کشور هر چه بیشتر آشکار می‌شود.

مهمترین موفقیت کشور در زمینه مسائل جمعیتی طی چهار سال اول برنامه سوم توسعه، کاهش نرخ رشد جمعیت کشور بیش از مقدار

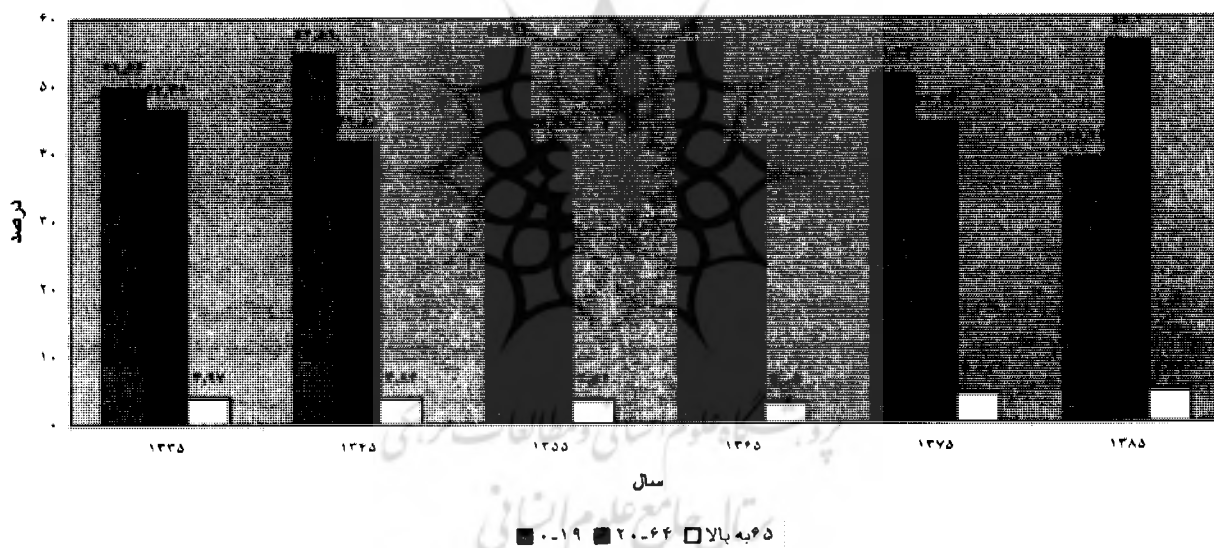
جدول (۲) - توزیع جمعیت بر حسب طبقات سنی

(واحد نفر)

ردیف	سال	شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
۱	۰-۱۹		۹۴۱۳۸۰	۱۳۳۸۹۳۵	۱۸۶۰۹۶۲۸	۲۷۶۶۶۲۱۹	۳۰۸۴۱۰۹۲	۲۰۹۰۷۰۰۰	۲۹۳۶۶	۲۸۹۰۸	۲۸۳۳۹	۲۷۷۱۳	۲۷۰۷۵
۲	درصد از کل جمعیت		۶۶/۶۶	۶۵/۳۵	۵۵/۲۱	۵۵/۹۵	۵۱/۳۶	۳۲/۲	۴۴/۳۳	۴۳/۳۵	۴۱/۸۹	۴۰/۴	۳۸/۹۶
۳	۲۰-۶۴ ساله		۸۸۸۲۳۵۵	۱۰۴۲۱۴۵۳	۱۳۱۲۶۶۶	۲۰۲۵۳۳۶۰	۲۶۵۸۶۵۶	۴۰۹۱۰۰۰	۶۸۱۷۳	۳۶۱۴	۳۱۱۵	۳۷۳۰	۳۹۱۱۷
۴	درصد از کل جمعیت		۴۶/۳۲	۴۱/۵۵	۴۱/۲۷	۴۰/۹۶	۴۴/۲۷	۶۳	۵۰/۵۳	۵۱/۹۱	۵۳/۵۳	۵۴/۳۵	۵۶/۳
۵	۶۵ ساله و بیشتر		۷۵۱۶۰۷	۹۶۸۱۰۵	۱۱۸۶۴۰	۱۵۰۱۷۱۸	۲۵۹۵۱۸۸	۳۰۸۲۰۰۰	۱۲۰۲	۱۵۸	۲۰۲	۲۲۵	۲۲۸۵
۶	درصد از کل جمعیت		۳/۹۷	۳/۸۶	۳/۵۲	۳/۰۴	۴/۳۲	۴/۸	۳۷/۴	۳۸/۴	۳۸/۳	۳۸/۴	۴۸/۴
۷	نامشخص		۷۰۶۳	--	--	۲۳۷۳	۳۲۳۵۶	--	--	--	--	--	--
۸	درصد از کل جمعیت		۰/۰۴	--	--	۰/۰۵	۰/۰۵	--	--	--	--	--	--

ماخذ: همان.

نمودار شماره (۲) توزیع جمعیت بر حسب طبقات سنی و درصد هر کدام در طی سالهای ۸۵-۱۳۳۵



پیش بینی شده است. این امر تحت تأثیر روند نزولی بیش از انتظار نرخ باروری روی داده است.

پایه ای ترین مشکلی که در بخش جمعیت وجود دارد ضعف منابع اطلاعاتی است. سازمان ثبت احوال کشور مسؤلیت ثبت وقایع چهارگانه حیاتی شامل موالید، فوت، ازدواج و طلاق را بر عهده دارد. در این میان مشکل اصلی معطوف به ثبت فوت است. گرچه آمارهای ثبت شده حکایت از بهبود نسبی ثبت فوت دارد، ولی هنوز هم تعیین نرخ مرگ و میر در کشور تا حدودی با ابهام روبروست. اصلی ترین کمبود در زمینه آمارهای جمعیتی، به آمارهای مهاجرت در کشور مربوط می شود. در سال های اخیر وزارت کشور جهت شمارش مهاجران و پناهندگان ساکن در ایران طرح هایی را انجام داده است. ولی برای ثبت آمار ایرانیانی که از کشور به خارج مهاجرت می نمایند، هیچ سیستمی

در کشور طراحی نشده است. آمارهای موجود در زمینه مهاجرت های داخلی شامل مهاجرت های روستا به شهر و یا بین استانی نیز نمی تواند نیازهای برنامه ریزی را تأمین کند

بر اساس آخرین برآوردهای صورت گرفته و اعلام رسمی مرکز آمار ایران در آبان ماه سال ۱۳۸۴ جمعیت کشور ۶۸ میلیون و ۴۶۷ هزار نفر اعلام شده است. از این تعداد ۳۴ میلیون و ۸۰۲ هزار نفر مرد و ۳۳ میلیون و ۶۶۶ هزار نفر زن هستند. براساس این آمار ۴۵ میلیون و ۶۵۰ هزار نفر در نقاط شهری و ۲۲ میلیون و ۸۱۷ نفر در نقاط روستایی اقامت دارند. مقایسه جمعیت فعلی کشور با نتایج سرشماری آبانماه سال ۷۵ نشان می دهد که به طور متوسط هر سال ۹۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه شده است همچنین به استناد برآورد مرکز آمار ایران جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ حدود ۶۹ میلیون و ۴۷۷ هزار نفر اعلام شده است

که از این تعداد ۳۵ میلیون و ۲۲۳ هزار نفر مرد و ۳۴ میلیون و ۲۵۴ هزار نفر زن می‌باشد.

بررسی‌ها حاکی از آن است که نرخ رشد سالیانه جمعیت کشور از ۳/۵ درصد در نخستین سال‌های پس از انقلاب اسلامی به ۱/۲۴ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ کاهش یافته و بر پایه ارزیابی دفتر جمعیت سازمان ملل متحد، حدود پانزده سال دیگر تا ۰/۹۴ درصد پایین می‌رود. بر پایه پیش‌بینی دفتر جمعیت سازمان ملل متحد، شمار ایرانیان از ۶۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ به ۸۱ میلیون نفر در ۱۳۹۴، ۹۱ میلیون نفر در ۱۴۰۴ و ۱۰۵ میلیون نفر در سال ۱۴۲۹ میلادی خواهد رسید.

۱.۱. جمعیت بالقوه فعال

هر فعالیت فکری و بدنی که مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی - جنسی) (۲) صورت گیرد، در ادبیات اقتصادی، تحت عنوان کار خوانده می‌شود. در هر سرشماری هنگامی که از شخص سؤال می‌شود، هفته گذشته کار داشته یا خیر، اگر کار کرده باشد، پس بیکار نیست. ولی اگر غیر از این باشد، شخص بیکار است. معمولاً جمعیت بالای ۱۰ سال را جمعیت بالقوه فعال گویند. (البته در بعضی از کشورها نظیر ایران، جمعیت بالای ۱۵ سال را جمعیت بالقوه فعال معرفی می‌کنند).

۲.۱. جمعیت فعال

اگر از جمعیت ۱۰ سال به بالا "محصّلین، دانشجویان، زنان خانه‌دار و سربازان و کلیه کسانی که به شکل عادی و ارادی نخواهند کار کنند" کسر کنیم جمعیت فعال آن جامعه بدست می‌آید.

۳.۱. بیکاری و بیکاری

کسی که دنبال کار است ولی در دستمزد معینی کار پیدا نمی‌کند بیکار است. در ادبیات اقتصادی ۳ نوع نرخ بیکاری داریم که عبارت‌اند از:

$$1) \text{CUER} = \frac{UE}{P} = \frac{\text{کل بیکاران}}{\text{جمعیت کل کشور}} \quad (\text{نرخ خام بیکاری})$$

$$2) \text{GUER} = \frac{UE}{P^{10+}} = \frac{\text{کل بیکاران}}{\text{جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر}} \quad (\text{نرخ عمومی بیکاری})$$

$$3) \text{NUER} = \frac{UE}{PA} = \frac{\text{کل بیکاران}}{\text{جمعیت فعال}} \quad (\text{نرخ بیکاری (نرخ خالص بیکاری)})$$

که شاید بهترین معیار برای سنجش میزان بیکاری در هر اجتماع معیار سوم باشد.

۴.۱. بار تکفل ناخالص و خالص

اگر جمعیت کل کشور را بر جمعیت شاغل تقسیم کنیم نرخ بار تکفل ناخالص بدست می‌آید. این نرخ بیانگر این مطلب است که، به

ازای هر نفر که کار می‌کند، چند نفر نان می‌خورند. و حال اگر از جمعیت کل جمعیت شاغل را کم کرده و بر جمعیت شاغل کشور تقسیم کنیم، نرخ بار تکفل خالص بدست می‌آید:

$$\text{نرخ بار تکفل خالص} = \frac{\text{جمعیت شاغل} - \text{کل جمعیت}}{\text{جمعیت شاغل}} \times 100$$

نرخ بار تکفل خالص بیان می‌کند که هر فردی که کار می‌کند چند نفر را تحت تکفل خود دارد.

۵-۵- نرخ وابستگی: (۶)

$$\text{نرخ وابستگی} = \frac{\text{جمعیت}^{+65} + \text{جمعیت}^{(0-9)}}{\text{جمعیت}^{(10-64)}}$$

۲. بررسی تحولات جمعیت ایران

طبق اولین سرشماری که در سال ۱۳۳۵ صورت گرفت جمعیت ایران نزدیک به ۱۹ میلیون نفر بود که طی ۴۵ سال با رشد متوسط سالیانه ۲/۸ درصد با ۳/۴ برابر افزایش مواجه شد و به ۶۴/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۰ رسید. کاهش مرگ و میر عمومی و مرگ و میر نوزادان و کودکان که نتیجه بالا رفتن بهداشت عمومی و دانش پزشکی بوده و نیز بی‌توجهی به برنامه تنظیم خانواده مهم‌ترین عامل افزایش جمعیت ایران طی سه دهه مختوم به سال ۱۳۷۵ بوده است.

میانگین و میانه سنی که دو نماگر عمده ساختار جمعیتی در هر کشور است، در سال‌های اخیر با روند مثبتی همراه شده است و هر دو با افزایش مواجه بوده‌اند. میانگین سنی از ۲۲/۱ سال در سال ۱۳۷۰ به ۲۶/۶ سال در سال ۱۳۸۰ و میانه سنی از ۱۷/۶ سال در سال ۱۳۷۰ به ۲۱/۸ سال در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. (۷)

با این حال جمعیت ایران در رده جوانترین جمعیت در بین کشورهای جهان قرار می‌گیرد. هر چند کاهش رشد جمعیت در سال‌های اخیر مثبت و امیدوار کننده بوده است، اما رشد سریع جمعیت به خصوص در دهه ۶۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۷۰ موجب افزایش بی‌سابقه جمعیت در سن فعالیت گردیده، به طوری که جمعیت فعال کشور طبق جدول (۲)، از حدود ۴۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۶۳ درصد در سال ۱۳۸۰ از کل جمعیت کشور افزایش یافته است. همچنین جمعیت (۶۴-۱۵) ساله کشور با بیش از ۳ برابر شدن به حدود ۴۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۰ بالغ گردیده است. که این موضوع پدیده‌ای نگران کننده برای جامعه و مسوولان کشور است.

طبق جدول (۲) مشاهده می‌شود که سهم جمعیت بین سنین ۱۹-۰ در سال ۱۳۸۱ از ۴۴/۷۳ درصد به رقم ۳۸/۹۶ درصد در سال ۱۳۸۵ تقلیل یافته و از طرف دیگر این سهم در دامنه سنین ۶۴-۲۰ سال در سال ۱۳۸۱ از ۵۳/۵۰ درصد به ۵۶/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است

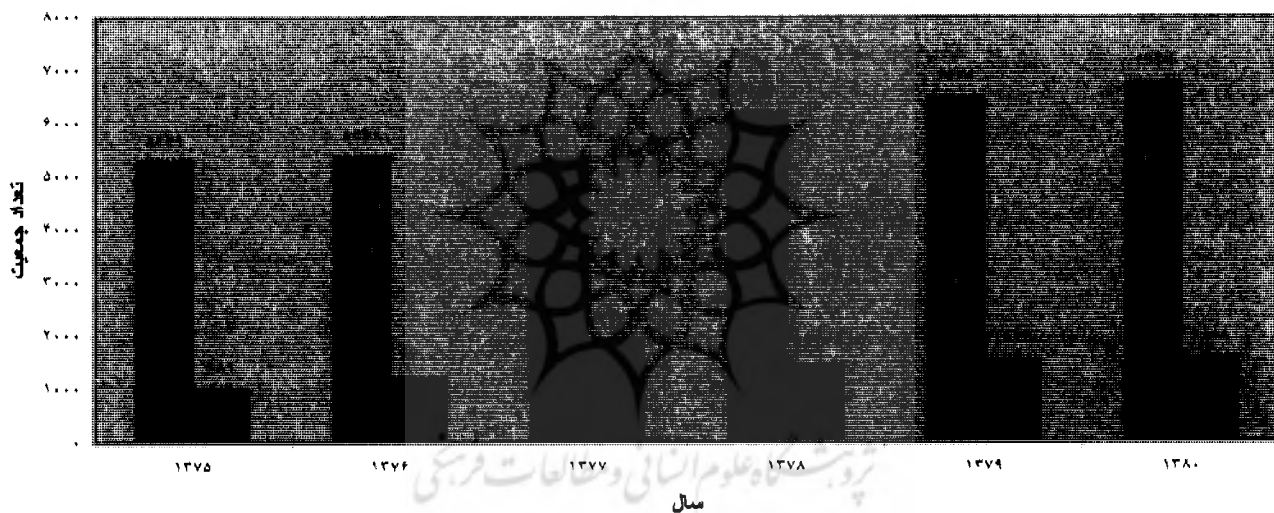
جدول (۳) - وضعیت جمعیت فعال ۱۵ تا ۲۹ ساله به تفکیک جنس و سهم (هزار نفر)

سال	مرد و زن	مرد	زن	سهم مرد (درصد)	سهم زن (درصد)
۱۳۷۵	۶۲۵۸	۵۲۶۹	۹۸۹	۸۴	۱۶
۱۳۷۶	۶۵۵۸	۵۳۵۸	۱۲۰۰	۸۲	۱۸
۱۳۷۷	۷۲۰۲	۵۲۸۰	۱۹۲۲	۷۳	۲۷
۱۳۷۸	۷۶۲۰	۶۱۸۶	۱۴۳۴	۸۱	۱۹
۱۳۷۹	۷۹۹۳	۶۴۴۹	۱۵۴۴	۸۱	۱۹
۱۳۸۰	۸۳۲۵	۶۷۳۷	۱۵۸۸	۸۱	۱۹
متوسط نرخ رشد دوره	۵/۹	۵/۰۳	۹/۹۳	(-۰/۷)	۳/۵

مأخذ:

مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵
مرکز آمار ایران، سالهای ۸۰، ۱۳۷۶ برآورد با استفاده از نمونه گیری اشتغال و بیکاری

نمودار شماره (۳) - وضعیت جمعیت فعال ۱۵ تا ۲۹ ساله به تفکیک زن و مرد در طی سالهای ۱۳۷۵-۸۰



بوده است. برای بررسی این چهار دوران از جداول (۳) و (۴) استفاده خواهیم کرد.

عرضه کار از مجموعه جمعیت شاغل و بیکار جویای کار ۱۰ ساله و بیشتر بدست می آید. تعداد شاغلین در سال ۱۳۴۵، برابر ۷۵۵۷/۲ هزار نفر و تعداد بیکاران جویای کار ۲۸۴/۳ هزار نفر بوده است که از جمع این ها عرضه کار که معادل ۷۸۴۱/۵ هزار نفر است، بدست می آید. نرخ بیکاری طی این سال ها حدود ۳/۶ درصد بود. با اینکه نرخ مشارکت عامل کار در سطح بالایی قرار داشت (۴۶/۱ درصد) و نرخ بیکاری پایین بود ولی بازار کار در این طی سال ها وضعیت مطلوبی داشته است. طی سال ۱۳۵۶، تعداد شاغلین کشور با متوسط نرخ رشد سالیانه ای معادل ۲/۱ درصد به ۹۵۲۱ هزار نفر افزایش یافته، که به منزله ایجاد حدود ۱۷۸/۵ هزار فرصت شغلی جدید در هر سال است. در این دوره

که این موضوع بیانگر افزایش جمعیت فعال و جویای کار در کشور می باشد.

۳- بررسی وضعیت بازار کار ایران^(۸)

در مطالعه حاضر سال های (۱۳۴۵-۷۵) را به دوره های (۵۶-۱۳۴۵)، (۶۷-۱۳۵۶) و (۷۰-۱۳۶۷)، (۷۵-۱۳۷۰)، (۸۰-۱۳۷۵) و (۸۵-۱۳۸۰) تقسیم می کنیم. دوره (۵۶-۴۵) مصادف با افزایش درآمدهای نفتی و رونق اقتصادی کشور بود. در مقابل در دوره (۶۷-۱۳۵۶) همزمان با جنگ، وقوع انقلاب و تحریم اقتصادی روبه رو بوده ایم. دوره (۷۰-۱۳۶۷) مقارن با پایان جنگ، کاهش تحریم اقتصادی، استفاده از ظرفیت های بیکار اقتصادی، و آغاز بازسازی اقتصاد ایران است. در حالی که طی دوره (۷۵-۱۳۷۰) اقتصاد ایران از یک وضعیت نسبتاً عادی برخوردار

اشتغال در این دوره در بخش عمومی صورت گرفته است (به دلیل گسترش و بزرگ شدن دولت). بواسطه استخدام زیاد عامل کار در بخش عمومی و عدم تعدیل کافی عامل کار اضافی، بهره‌وری عامل کار به طور متوسط سالیانه ۲/۲ درصد کاهش یافته است. بهره‌وری سرمایه نیز به طور متوسط ۲/۲ درصد کاهش یافته است که دلیل آن وجود ظرفیت‌های بیکار تولید بواسطه مشکلات موجود در زمینه کمبود نقدینگی، ارز و قطعات یدکی و ماشین آلات، مواد اولیه و سوخت و برق و ... بوده است.

در نتیجه عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و کافی، تعداد بیکاران در این دوره از ۵۱۹/۸ هزار نفر به ۱۹۸۲/۳ هزار نفر و نرخ بیکاری از ۵/۴ درصد به ۱۴/۷ درصد افزایش یافته است. افزایش نرخ رشد عرضه عامل کار در این دوره نسبت به دوره قبل بدلیل افزایش نرخ رشد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر است. قابل توجه است که، کاهش نرخ مشارکت عامل کار بخشی از اثر مثبت افزایش نرخ رشد جمعیت بالقوه فعال را خنثی کرده است. کاهش نرخ مشارکت عامل کار بیشتر بدلیل افزایش پوشش تحصیلی، حاکم شدن نگرش منفی در خصوص حضور زنان در بازار کار و افزایش بعد خانوار بواسطه افزایش نرخ زاد و ولد بوده است.

تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱) به طور متوسط سالیانه حدود ۱۱ درصد رشد داشته، که مهمترین دلیل و عامل برای رشد اشتغال در این سال‌ها بوده است. همچنین سرمایه سرانه به طور متوسط سالیانه ۱۴/۱ درصد رشد یافته، که این امر بر افزایش اشتغال تأثیر منفی گذاشته است. تعداد بیکاران کشور در سال ۱۳۵۶ به ۵۱۹/۸ هزار نفر و نرخ بیکاری ۵/۴ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۴۵ افزایش یافته است. افزایش نرخ بیکاری به واسطه بالا بودن نرخ رشد عرضه عامل کار بوده است، که دلیل اصلی بالا بودن رشد عرضه عامل کار نیز بالا بودن جمعیت ده ساله و بیشتر می باشد.

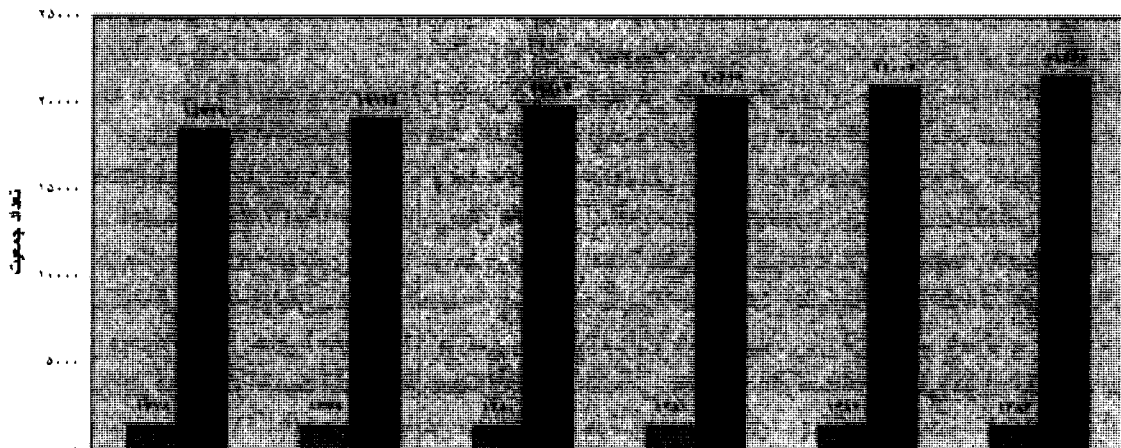
در دوره (۶۷-۱۳۵۷) میانگین نرخ رشد سالیانه تقاضای کار نسبت به دوره قبل کاهش یافته و به ۱/۸ درصد تقلیل یافته است. تعداد شاغلین کشور به ۱۱۵۸۷/۸ هزار نفر افزایش یافته است که به منزله ایجاد ۱۸۷/۹ هزار فرصت شغلی جدید در هر سال است.

تولید ناخالص داخلی و موجودی سرمایه در نتیجه خسارات وارده بر امکانات سرمایه‌ای و کاهش سرمایه‌گذاری به ترتیب به طور متوسط، سالیانه ۱/۹ درصد و ۲/۲ درصد کاهش یافته است. که این عامل بر افزایش اشتغال تأثیر منفی گذاشته است. بیشترین میزان

جدول (۴) - وضعیت جمعیت فعال کشور

سال	جمعیت فعال		
	مرد	زن	کل
۱۳۷۸	۱۵۶۵۰	۲۷۷۹	۱۸۴۲۹
۱۳۷۹	۱۶۱۹۷	۲۹۲۱	۱۹۱۱۸
۱۳۸۰	۱۶۷۲۵	۳۰۷۸	۱۹۸۰۳
۱۳۸۱	۱۷۱۸۸	۳۲۳۱	۲۰۴۱۹
۱۳۸۲	۱۷۶۲۳	۳۳۸۳	۲۱۰۰۶
۱۳۸۳	۱۸۰۳۴	۳۵۳۴	۲۱۵۶۸

ماخذ: همان.



سال

در دوره (۷۰-۱۳۶۸) تعداد شاغلین کشور با متوسط نرخ رشد سالیانه‌ای معادل ۴/۲ درصد به ۱۳۰۹۶/۶ هزار نفر افزایش یافته است. افزایش نرخ رشد اشتغال در این دوره نسبت به دوره قبل بواسطه افزایش نرخ رشد تولید بوده است. تولید ناخالص داخلی به طور متوسط ۸/۴ درصد افزایش یافته است. که بخشی از این رشد بواسطه بازسازی طرح‌ها و واحدهای خسارت دیده در طول جنگ تحمیلی و استفاده از ظرفیت‌های بیکار بوده است. که دلیل آن افزایش بهره‌وری سرمایه به میزان ۱/۵ درصد در سال است.

در این دوره به طور متوسط سالیانه ۵۰۲/۹ هزار فرصت شغلی ایجاد شده و به دنبال آن تعداد بیکاران از ۱۹۸۲/۳ هزار نفر به ۱۶۴۰/۱ هزار نفر و نرخ بیکاری از ۱۴/۷ درصد به ۱۱/۱ درصد رسیده است. در دوره (۷۵-۱۳۷۱) تعداد شاغلین کشور با متوسط نرخ رشد سالیانه‌ای معادل ۲/۲ درصد از ۱۳۰۹۶/۶ هزار نفر به ۱۴۵۷۱/۶ هزار نفر افزایش یافته است. افزایش اشتغال در این دوره صرفاً به دلیل افزایش تولید به میزان ۴/۱ درصد بوده است. سرمایه سرانه به طور متوسط سالیانه ۵/۹ درصد افزایش یافته، که بر افزایش اشتغال اثر منفی گذاشته است. با تصویب قانون کار در اواخر سال ۱۳۶۹، و اجرای آن در سال ۱۳۷۰، هزینه استفاده از عامل کار و ریسک مربوط به آن افزایش یافته است. که نتیجه آن علاقه مندی بیشتر کارفرمایان به فعالیت‌های سرمایه - بر را سبب شده است. بنابراین کاهش نرخ اشتغال در این دوره به دلایل زیر بستگی دارد:

کاهش رشد تولید به میزان ۵۲ درصد، نسبت به دوره قبل، بواسطه عدم وجود ظرفیت‌های بیکار

استفاده از تکنیک‌های سرمایه‌بر به جای کاربر (به خاطر قانون کار) - به رغم کاهش نرخ رشد اشتغال در این دوره نسبت به دوره قبل، تعداد بیکاران از ۱۶۴۰/۱ هزار نفر به ۱۴۵۵/۷ هزار نفر و نرخ بیکاری از ۱۱/۱ درصد به ۱۹/۱ درصد کاهش یافته است. کاهش نرخ بیکاری در این دوره غالباً به دلیل کاهش نرخ مشارکت عامل کار بدلیل افزایش پوشش تحصیلی و گسترش سریع دانشگاه‌ها و ... بوده، به طوری که بسیاری از جوانان به این وسیله از بازار کار خارج می‌شوند. در حالی که اگر نرخ مشارکت عامل کار در این دوره ثابت فرض می‌شد، تعداد بیکاران به میزان ۱۰۹۵/۲ هزار نفر بیشتر و نرخ بیکاری به ۱۵/۸ درصد افزایش می‌یافت. بنابراین کاهش نرخ بیکاری در این دوره (۷۵-۱۳۷۱) به خاطر عملکرد اقتصادی مطلوب دولت نبوده است و بیشتر به خاطر خارج کردن جوانان از بازار کار بوده است.

همچنین با مراجعه به جدول (۴) و همچنین نمودار (۴) می‌توان مشاهده نمود که طی دوره (۸۳-۱۳۷۵) تعداد جمعیت فعال کشور از ۶۲۵۸ هزار نفر به ۸۳۵۲ هزار نفر افزایش یافته است. و اما به دلیل افزایش بیش از اندازه عرضه کار از ۱۶۰۲۷/۳ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۱۵۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۱، نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش پیدا کرده است.

قبل از بررسی تحولات سال‌های (۸۰-۱۳۷۵)، بررسی روند عرضه نیروی کار طی این دوره حائز اهمیت است جمعیت فعال جوان کشور از ۶۲۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ با ۵/۸ درصد افزایش سالیانه به ۸۳۲۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده است. در این میان سهم نیروی

کار فعال مردان به مراتب بیشتر از سهم نیروی فعال زنان بوده است، به طوری که عرضه نیروی کار فعال مردان از ۵۲۶۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۶۷۳۷ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده است. و به طور متوسط رشد سالیانه‌ای معادل پنج درصد داشته است در حالی که نیروی کار فعال زنان در طی این سال‌ها با نرخ رشد سالیانه ۹/۹۳ درصد افزایش یافته است که نشان‌دهنده تفاوت ویژگی‌های رشد جمعیت فعال زنان و مردان در دوره مذکور است.

براساس نتایج نمونه‌گیری مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و به ترتیب ۱۴/۲، ۱۲/۸ و ۱۱/۴ درصد بوده است. به رغم کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۲ جمعیت بیکار کشور بالغ بر ۵/۲ میلیون نفر است که لازم است در سال‌های آینده اقدامات لازم برای کاهش آن به عمل آید همانگونه که در جدول و نمودار (۴) نیز ملاحظه می‌شود، جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۷۸ حدود ۲۹ درصد کل جمعیت می‌باشد. این درصد طی سال‌های بعد افزایش پیدا کرده به طوری که در سال ۱۳۸۵ درصد جمعیت فعال کشور به کل جمعیت کشور به حدود ۳۱/۹ درصد رسیده است.

در طی برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) به طور خالص به ترتیب، ۴۳۹، ۴۴۰، ۷۱۲، ۶۹۱ و ۶۱۹ هزار شغل جدید ایجاد شده است. بدین ترتیب طی چهار سال اول برنامه سوم در مجموع ۲ میلیون و ۲۸۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است، در حالی که طبق هدف برنامه باید ۲ میلیون و ۸۹۸ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد می‌شد که به معنی تحقق ۷۸/۷ درصد هدف برنامه است. ذکر این نکته ضروری است که در چهار سال اول برنامه سوم به طور متوسط سالیانه ۵۷۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است که نسبت به متوسط سالیانه ۳۸۳ هزار فرصت شغلی جدید در برنامه اول و هزار شغل جدید در برنامه دوم افزایش شایان توجهی را نشان می‌دهد.

برای پاسخگویی به عرضه شتابان نیروی کار، هم به لحاظ رشد بالای جمعیت در کشور در دهه - و هم به جهت تحرک ناکافی اقتصاد کشور، که طی سال گذشته جوابگوی این عرضه شتابان نبوده است، در سال‌های اخیر دولت علاوه بر راهکارهای مورد نظر برنامه رویکردهای ویژه‌ای در رابطه با بسیج منابع و امکانات بالفعل و بالقوه کشور، نظیر استفاده از ساز و کار و جوه اداره شده برای گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تأمین منابع برای اجرای طرح ضربتی اشتغال، اعطای تسهیلات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی، استفاده از تسهیلات فاینانس خارجی برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته را مورد اهتمام خود قرار داده است. این اقدامات تحریک تقاضای نیروی کار و بسترسازی برای تحقق رشد بیشتر و کارآتر اشتغال در آینده را به دنبال خواهد داشت براساس گزارش شورای عالی اشتغال تا پایان اردیبهشت سال مجموعاً ۱۱ هزار و ۷۵۰ میلیارد ریال تسهیلات از محل اعتبارات و جوه اداره شده پرداخت شده است که ۲ هزار و ۱۹۹ میلیارد ریال آن ملی و ۹ هزار و ۵۵۱ میلیارد ریال آن استانی بوده است. فرصت‌های شغلی دوران بهره‌برداری طرح‌های موضوع قراردادهای تسهیلات مزبور حدود ۳۰۲ هزار نفر است براساس همین گزارش در سال، صد درصد تسهیلات و جوه اداره شده برای ایجاد

جدول (۵) - بیکاری و علل آن

شرح	عامل	انواع بیکاری
در مورد نیروی کار: در اثر عدم اطلاعات کامل وی در باب فرصت‌های شغلی موجود و هزینه‌بر بودن کسب این اطلاعات در مقایسه با مزایای بیکاری. در مورد کارفرما: در اثر عدم اطلاعات کامل در مورد بهره‌وری نیروی کار (Productivity) در مقایسه با هزینه جذب و اخراج وی.	اطلاعات ناکامل	بیکاری اصطکاکی
در مورد نیروی کار: ایجاد یک مازاد نیروی کار در اثر شوک جمعیتی با توجه به محدودیت فرصت‌های شغلی در کوتاه‌مدت که عمدتاً از تحرک پایین نیروی کار یا انعطاف‌ناپذیری دستمزدها سرچشمه می‌گیرد. در مورد کارفرما: جابجایی تقاضای نیروی کار (کاهش تقاضا برای یک مهارت و افزایش برای دیگری) بر اثر شوک تکنولوژی	محدودیت ساختاری	بیکاری ساختاری
تعديل هزینه نیروی کار جذب شده برای افزایش سودآوری	رکود اقتصادی	بیکاری دوره‌ای

مأخذ: رسول کاظمی، بررسی اثر سهم جمعیتی نسل جوان بر نرخ بیکاری و اشتغال، مؤسسه عالی پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی

۱۳۸۰

نیروی کار ایران در سال ۱۳۸۴ به ۲۳/۷ و در سال ۱۳۸۵ به ۲۴/۳ میلیون نفر خواهد رسید و از سوی دیگر نیروی کار ایران در سال ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نیز به ترتیب به ۲۵/۷، ۲۶/۴ و ۲۵/۷ میلیون نفر افزایش خواهد یافت این آمار در حالی از افزایش نرخ بیکاری ایران تا سال ۲۰۰۹ خبر می‌دهد که بر اساس برنامه چهارم توسعه باید در این سال نرخ بیکاری کشور یک رقمی باشد.

در سه ماهه نخست سال ۱۳۸۵ نیز نرخ بیکاری به ۱۱ درصد کاهش یافته است. در فصل بهار سال ۱۳۸۵ حدود ۴۱/۴ درصد جمعیت در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نسبت به بهار ۱۳۸۴ کاهش ۰/۲ درصدی را نشان می‌دهد. این کاهش ناشی از افزایش جمعیت غیرفعال بوده است. این در حالی است که نرخ مشارکت اقتصادی در بهار امسال نسبت به زمستان سال گذشته حدود ۱/۷ درصد افزایش یافته است که این افزایش ناشی از افزایش شاغلان در بخش کشاورزی بوده است. نرخ بیکاری ۱۰ ساله و بیشتر در فصل بهار ۱۱ درصد بوده است. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری نیز نشان می‌دهد که این نرخ نسبت به بهار سال ۱۳۸۴ ۰/۹ درصد کاهش یافته است. این کاهش، بیشتر تحت تأثیر افزایش شاغلان بخش صنعت رخ داده است. البته، نرخ بیکاری در بهار ۱۳۸۵ نسبت به زمستان گذشته به علت افزایش شاغلان در بخش کشاورزی ۱/۱ درصد کاهش یافته است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در بهار ۱۳۸۵ نسبت به بهار و زمستان گذشته به ترتیب ۱/۲ و ۲/۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش، برای جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله یک و ۱/۹ درصد بوده است. در مجموع، نرخ بیکاری هم نسبت به فصل پیش و هم نسبت به فصل مشابه سال قبل، کاهش داشته است.

۴. بیکاری و انواع آن

باید دید که بیکاری در ایران از چه نوع است. بیکاری در ایران از هر سه نوع وجود دارد ولی بیشتر از نوع جمعیتی است (به ویژه در مورد نسل

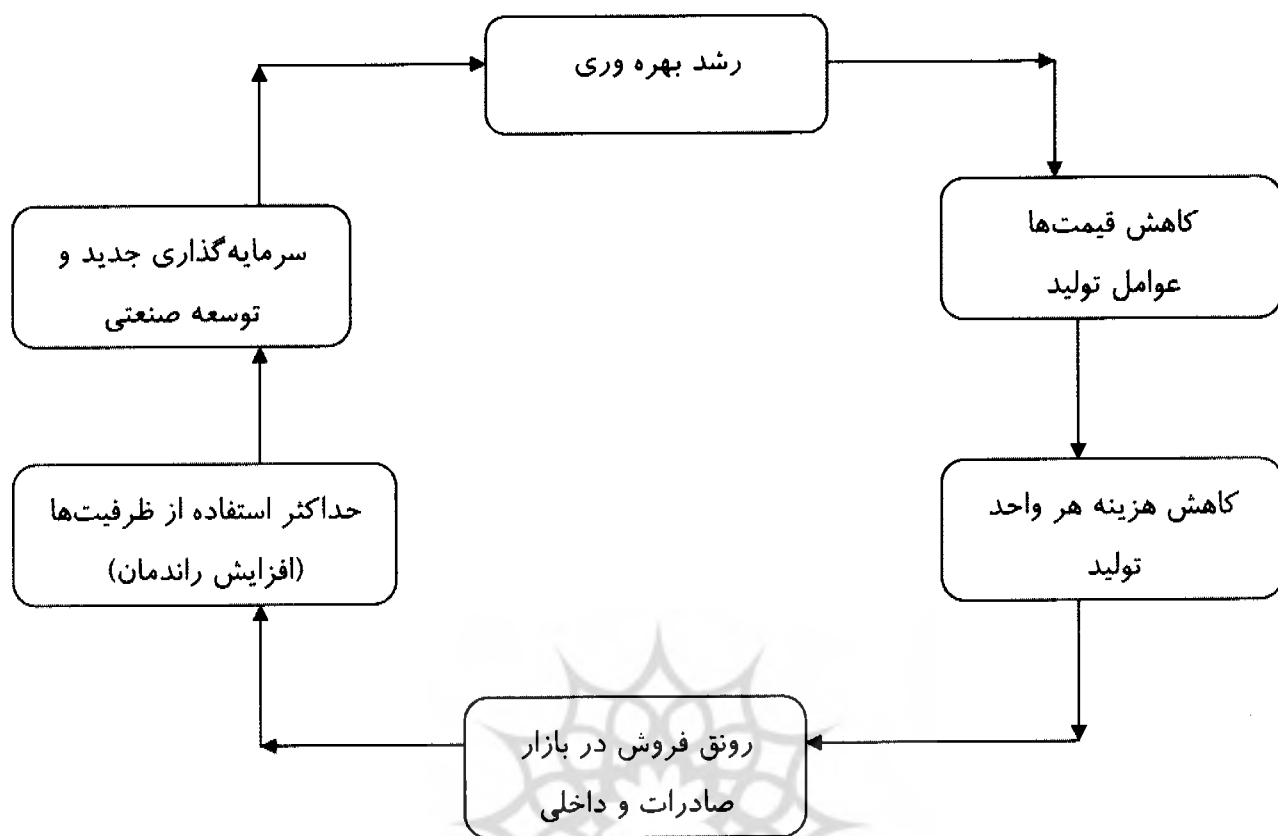
اشتغال تخصیص یافته است. لیکن، تسهیلات مذکور به دلیل پذیرش طرح‌های اشتغالزایی تا سقف ۲ تا ۳ برابر تسهیلات در سال‌های قبل بیشتر به تعهدات ایجاد شده در این سال‌ها اختصاص یافته است.

در سال ۱۳۸۴ و با گذشت یک سال از برنامه چهارم توسعه، تعداد بیکاران کل کشور جمعیتی بیش از سه میلیون نفر را شامل می‌شوند که از این میان ۸۷ درصد (دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) را جوانان تشکیل می‌دهند. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در میان قشر جوان، نرخ بیکاری جوانان ایرانی بین ۱۵ تا ۲۴ سال نسبت به بیشتر کشورهای دنیا حتی کشورهای توسعه یافته همواره بالاتر بوده است. در سال ۱۳۸۳ نرخ مشارکت اقتصادی جوانان ۴۱/۸ درصد بوده است، این نرخ در سال جاری به ۴۳ درصد و قرار است در سال ۸۸ (پایان برنامه چهارم توسعه) به ۴۷/۶ درصد افزایش یابد. همچنین نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال در سال گذشته ۲۵/۸ درصد بوده است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۸۴ این رقم به ۲۳/۱۴ درصد و تا پایان برنامه چهارم به ۱۲/۵ درصد کاهش یابد.

بر اساس تحلیل جامعه‌شناسان از روند بیکاری در کشور، پیش‌بینی می‌شود که نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت ایران (معادل ۴۹ میلیون نفر) در سال ۸۵ در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سالگی) به سر بزنند و این خود هشدار جدی برای متولیان اشتغال کشور است آمارها و پیش‌بینی‌ها بیانگر میزان زیاد اهمیت و لزوم اشتغالزایی به ویژه پاسخگویی به نیاز شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هاست. از این روی شورای عالی جوانان "سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی"، "شورای عالی اشتغال" و "وزارت کار و امور اجتماعی" را موظف به کاهش نرخ بیکاری جوانان از ۲۵ درصد به ۱۲/۵ درصد تا پایان برنامه چهارم توسعه (سال ۸۸) کرده است.

بر اساس پیش‌بینی‌های "واحد خبرگزاری اقتصادی" (۹) نرخ بیکاری ایران در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ را به ترتیب ۱۲/۵، ۱۳ و ۱۳ درصد اعلام شده است. در همین حال بر اساس این پیش‌بینی

نمودار (الف) - سیکل رشد بهره‌وری و تأثیر آن بر اقتصاد:^{۱۲}



است بدست آید.

قابلیت مقایسه: چگونگی ثبت اجزای بهره‌وری در طول زمان

که در اینجا به تعریف سه نوع از بهره‌وری می‌پردازیم:

۱) بهره‌وری جزئی: بهره‌وری نسبت ستاده به یک گروه از نهاده‌ها، به عنوان مثال بهره‌وری نیروی کار (نسبت ستاده به نهاده کار) معیار بهره‌وری جزئی است.

۲) بهره‌وری کل عوامل: عبارت‌اند از نسبت ستاده خالص به مجموع نهاده‌های نیروی کار و سرمایه، در اینجا منظور از ستانده خالص: ستانده کل منهای کالا و خدمات واسطه‌ای خریداری شده می‌باشد.

۳) بهره‌وری کل نسبت ستاده به مجموع تمام نهاده‌هاست. بنابراین بهره‌وری کل اثر اشتراک تمامی نهاده‌ها را در تولید ستانده نشان می‌دهد. در تمامی تعاریف بالا ستانده‌ها و نهاده‌ها به قیمت واقعی بیان می‌شوند.

بخش اعظم افزایش در بهره‌وری نتیجه ازدیاد مکانیزاسیون در صنعت است. یعنی استفاده از ماشین‌های جدیدتر و بهتر، کارگر را آماده می‌سازد که محصول بیشتر تولید کند. به علاوه بالا رفتن آموزش و مهارت نیروی کار، بهبود شرایط کار، برنامه‌ریزی و کنترل علمی تولید، اثرات مهمی در ارتقاء بهره‌وری دارا هستند.

براساس قانون صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس، هرچه کارخانه‌ای

جوان). عامل اصلی تغییر دهنده این بیکاری، عرضه نیروی کار (جوان) می‌باشد زیرا با توجه به انعطاف ناپذیری بالا و پایین بودن تحرک در بازار کار ایران (که زمان بر بودن سرمایه‌گذاری و کار آفرینی را تشدید نموده است) به نظر می‌رسد که افزایش تقاضای نیروی کار (جوان) نسبت به رشد عرضه آن بسیار اندک است. به گونه‌ای که تغییرات نسبتاً سریع در سهم جمعیتی نسل جوان (بر اثر جهش در نرخ باروری دوره‌های قبل) منجر به افزایش نرخ بیکاری و کاهش نسبت اشتغال به ویژه در کوتاه‌مدت خواهد گشت. علاوه بر عوامل جمعیتی عوامل دیگری همانند اطلاعات ناکافی و رکودهای دوره‌ای اقتصاد نیز بر میزان بیکاری تأثیر گذار بوده است.

۵- بهره‌وری، انواع آن و عوامل مؤثر بر آن^(۱۰)

بهره‌وری و کارایی در بسیاری موارد نسبت بازده مفید به نهاده تعریف شده است. به طور کلی بهره‌وری می‌تواند به عنوان معیار جامعی در مورد اینکه سازمان‌ها چگونه ملاک‌های زیر را تأمین می‌کنند، در نظر گرفته شود. ملاک‌هایی مانند:

- اهداف: میزان دستیابی به اهداف

- کارایی: میزان مؤثر بودن منابع مورد استفاده برای ایجاد محصولی

مفید

- اثربخشی: آنچه که حاصل می‌شود در مقابل هر آنچه که ممکن

بزرگتر باشد، مقدار تولید افزایش می یابد. و هزینه متوسط هر واحد کالا کاهش می یابد. زیرا هر واحد کالای اضافی فقط قسمتی کوچک از هزینه های ثابت را به خود جذب می کند. بنابراین اندازه واحد تولیدی یا حجم تولید، عامل اساسی دیگری است، که به سطح بهره وری تأثیر می گذارد. (۱۱)

۱-۵-۲- رابطه میان رشد اشتغال و رشد بهره وری (۱۲)

نرخ رشد بهره وری نیروی کار معمولاً به صورت اختلاف میان نرخ های رشد بازده و اشتغال، تعریف و سنجیده می شود. یعنی داریم که:

$$(y/l)l = y \rightarrow \ln(y/l) + \ln l = \ln y$$

$$(y/l)^{\cdot} + \dot{l} = \dot{y} \rightarrow \left(\frac{y}{l}\right)^{\cdot} = y^{\cdot} - l^{\cdot}$$

که در آن l نیروی کار و y محصول واقعی می باشد.

$\left(\frac{y}{l}\right)^{\cdot}$ بهره وری نیروی کار: این تعریف نشان می دهد که هرچه نرخ رشد بهره وری سریع تر باشد، سرعت رشد اشتغال به همان نسبت کمتر خواهد بود. تحلیل سنتی برای بهره وری فزاینده کار دو منشاء می شناسد، آن که ناشی از نسبت فزاینده سرمایه به کار است و آن که ناشی از حرکت صعودی بهره وری کار است در حالی که نسبت سرمایه به نیروی کار ثابت باشد. سیر صعودی هزینه های کار نسبت به هزینه های سرمایه، موجب افزایش نسبت سرمایه به کار می شود و موجب می شود که نمودار تابع رابطه بهره وری کار و نسبت سرمایه به کار، با تمام عوامل تولید، به سمت بالا حرکت کند.

هر افزایش در میزان مزد که در حقیقت به سبب افزایش نسبت سرمایه به کار موجب افزایش بهره وری نیروی کار می شود، رشد اشتغال را به سطحی پایین تر از وضعی کاهش می دهد که با همان نرخ رشد سرمایه، افزایش نرخ مزدی در میان نباشد، پس واضح است که رشد بازده به رشد بهره وری کار بستگی دارد. اگر بتوان افزایش اشتغال را با کاهش بهره وری بدست آورد، ممکن است به جای افزایش نرخ رشد اشتغال، به نتیجه کاهش نرخ رشد بازده رسید. بر این پایه بهتر است که راه هایی جستجو شود که از سیر صعودی بهره وری کار بهره گیری کند، نه راه هایی که این سیر صعودی را کاهش دهد، به امید اینکه رشد بازده تولید تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت.

میزان بالای نرخ بیکاری، مساله مهم اجتماعی است، زیرا در زمان بیکاری، یافتن شغل مناسب دشوار است. افراد بیکار سطح زندگی خود را از دست می دهند. در جایی که بیکاری به ۱۱ درصد برسد، بیکاری مشکل اول اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور می شود. (۱۳)

از آنجایی که رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد زمینه برای یافتن کارهای بیشتر و بهتر را فراهم می کند، ضروری است به چهار شرط در مقدمه کاهش نرخ بیکاری به عنوان یک عنصر پایه ای در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی توجه کرد: (۱۴)

۱- انگیزه بوجود آید

۲- فن آوری در اختیار باشد

۳- سرمایه موجود باشد.

۴- زمینه برای فروش کالا و خدمات بوجود آید. یعنی در واقع برای تولید بیشتر و بهتر، بازار بیشتر لازم است.

۶- مروری بر وضعیت بخش صنعت و اشتغال زایی آن

فعالیت صنعت یا ساخت، شامل تغییر شکل فیزیکی یا شیمیایی مواد به منظور تولید کالاهای جدید در کارگاه ها و منازل می باشد. این بخش، مونتاژ قطعات تشکیل دهنده محصولات صنعتی را نیز شامل می شود.

بخش صنعت گستره وسیعی از انواع فعالیت های صنعتی را در پوشش خود قرار می دهد. که طبق طبقه بندی ISIC ویرایش دوم به شرح زیر می باشد: (۱۵)

۳۱. صنایع مواد غذایی، آشامیدنی، دخانیات

۳۲. صنایع نساجی و پوشاک و چرم

۳۳. صنایع چوب و محصولات چوبی

۳۴. صنایع کاغذ و مقوا، چاپ و انتشار

۳۵. صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ و لاستیک و پلاستیک

۳۶. صنایع محصولات کانی غیر فلزی به جز نفت و زغال سنگ

۳۷. صنایع فلزات اساسی

۳۸. صنایع ماشین آلات و تجهیزات و ابزار محصولات فلزی

۳۹. صنایع متفرقه

همچنین در تعریف صنایع آن دسته از کارگاه هایی که تا ۱۰ نفر کارگر در آن ها مشغول هستند، جزو صنایع کوچک و واحدهایی که در آن ها بیش از ۱۰ نفر کار می کنند، جزو صنایع متوسط و صنایع بزرگ ۵۰ نفر و بیشتر در آن کار می کنند.

یکی از سوالات اساسی در زمینه بازار کار، توانایی بخش های اقتصادی در ایجاد شغل است. از آنجا که حجم بیکاری در کشورهای در حال توسعه بالاست این سوال مطرح می شود که چرا کشورهای در حال توسعه در ایجاد فرصت های شغلی شکست خورده و میان عرضه و تقاضای نیروی کار شکاف چشمگیری وجود دارد.

برخی از صاحب نظران معتقدند که بخش صنعت از نظر اشتغال زایی از سایر بخش های دیگر مثل خدمات و کشاورزی نقش محوری تری ایفا می کند. به همین دلیل این اعتقاد وجود دارد که کشورهایی که از بخش صنعت پیشرفته تری برخوردارند بالنسبه توانسته اند مشاغل بیشتری در بخش های خدماتی ایجاد نمایند. (۱۶)

به هر حال شکست بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نظر اشتغال در بخش صنایع کارخانه ای به دلیل آن است که این کشورها از نظر ایجاد ظرفیت های تولیدی، انجام سرمایه گذاری ها و حذف اختلال در قیمت عوامل تولید ناتوان بوده و سیاست گذاری های نامناسب، بخش صنعتی توسعه نیافته ای را شکل داده است که از نظر رشد پایدار در تولید و ظرفیت سازی تولیدی چندان موفق نبوده اند. کشورهایی که از نظر سرمایه گذاری، ظرفیت سازی تولیدی، ایجاد نهاده های مناسب و مربوط به تولید زمینه لازم برای گذار از دنیای توسعه نیافته اقتصادی و اجتماعی به یک دنیای مدرن را انجام داده اند، در زمینه اشتغال نیز به موفقیت های چشمگیری دست پیدا کرده اند. (۱۷)

۶-۱- عملکرد بخش صنعت: (۱۸)

برای سنجش عملکرد بخش صنعت کشور از سه معیار، رشد صنعتی، رشد بهره‌وری سرانه نیروی کار و صادرات صنعتی استفاده می‌شود.

تا جایی که به رشد صنعتی مربوط می‌شود، مطابق اطلاعات منتشره بانک مرکزی، عملکرد بخش صنعت دارای روند مناسبی نبوده است. واقعیت این است که در دوره (۱۳۷۶-۱۳۵۹) رشد سالیانه صنعت در ایران نه تنها ضعیف‌تر از کره جنوبی به عنوان نمونه موفق کشورهای در حال توسعه بوده، بلکه از متوسط عملکرد کشورهای در حال توسعه نیز کمتر بوده است.

رشد بهره‌وری سرانه نیروی کار در کل بخش صنعت در دوره ۱۳۴۵-۵۵ به طور متوسط سالیانه ۱۳/۳ درصد بوده، این نرخ در دهه (۶۵-۱۳۵۵) به ۲/۳ درصد در سال و در دهه ۷۵-۱۳۶۵ به ۱/۴ درصد کاهش یافته است. (بانک مرکزی، مرکز آمار ایران).

بر اساس اطلاعات مربوط به کارگاه‌های دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر می‌توان گفت که تا سال ۱۳۷۴، بهره‌وری سرانه نیروی کار در این صنایع کمتر از دوره قبل از انقلاب بوده و فقط در چند ساله اخیر از آن پیشی گرفته است.

صادرات صنعتی کشور، چه در دوره قبل از انقلاب، چه در دوره بعد (در دهه اول انقلاب) ناچیز بوده است. اما بعد از جنگ، تحول‌نمایی در ارزش صادرات صنعتی به وقوع پیوسته است. با این حال مقایسه صادرات صنعتی با واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، شکاف بسیار زیاد موازنه تجاری بخش صنعت را نمایان می‌سازد.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت: که در ابتدا، اقتصاد ایران یک دوره رشد سریع صنعتی و بهبود بهره‌وری سرانه نیروی کار را تجربه نموده است. این رشد سریع موجب افزایش نیازهای ارزی صنعت برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و خدمات فنی شده است. که روی دیگر این پدیده اتکاء به درآمدهای نفتی است.

ساختار صنعتی ایران به طور ذاتی آسیب‌پذیر است، چرا که در چنین

ساختاری نرخ انباشت سرمایه و نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولید وابسته به درآمدهای نفتی است و این درآمدها لزوماً به تناسب نیازهای اقتصادی و صنعت کشور افزایش پیدا نمی‌کند. در دو دهه اخیر، به دلیل دخالت گسترده دولت در اقتصاد، نظام قیمت‌ها در اقتصاد کشور بیش از پیش دچار ناکارایی ایستا در تخصیص منابع شد. این ناکارایی، هم در گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه و توسعه بازرگانی داخلی متجلی شد و هم در اتلاف منابع در بخش‌های مختلف، من جمله بخش صنعت.

از جمله مهم‌ترین دلایل عدم تحقق و عدم موفقیت در صادرات

صنعتی طی این دوره را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

عدم شناخت دقیق توان صادراتی کشور درباره مزیت‌های نسبی

عدم رعایت استانداردهای کیفیت کالا و در نتیجه از دست دادن

بازار

ایجاد پیمان سپاری ارزی به عنوان مانعی در رشد صادرات

غیرنفتی

هدف‌گذاری‌های خوش‌بینانه در اهداف برنامه‌ها و ...

۲-۶ بررسی نقش بخش‌های عمده اقتصادی در ایجاد اشتغال

با تأکید بر بخش صنعت (۲۰۱۹)

دوره ۵۶-۱۳۴۵

طی این دوره اشتغال در بخش صنعت و معدن (شامل نفت و گاز) از نرخ رشد سالیانه‌ای معادل (۴/۳) درصد برخوردار بوده است. که در نتیجه آن سهم اشتغال این بخش از ۲۴/۷ درصد به ۳۱/۲ درصد افزایش یافته است. رشد اشتغال این بخش بدلیل رشد ارزش افزوده به میزان ۱۳/۷ درصد در سال بوده است. رشد سرمایه سرانه به میزان ۱۳/۷ درصد در سال حاکی از گسترش فعالیت‌های سرمایه‌بر و رواج تکنیک‌های تولید سرمایه‌بر در فعالیت‌های صنعتی است که بر نرخ رشد اشتغال اثر منفی داشته است. در این دوره حدود ۱۰۹۹/۴ هزار فرصت شغلی جدید در بخش صنعت و معدن ایجاد شده است که حدود ۵۱/۲ درصد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کشور است.

دوره ۶۷-۱۳۵۷

شاغلین بخش صنعت و معدن به طور متوسط ۷ درصد در سال کاهش یافته و به تبع آن سهم اشتغال این بخش از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. کاهش اشتغال در این بخش بیشتر ناشی از رکود حاکم بر فعالیت‌های صنعتی بواسطه مشکلات موجود در امر تولید و سرمایه‌گذاری بوده است. (به خاطر شرایط جنگ). ارزش افزوده بخش صنایع و معادن به طور متوسط سالیانه ۵/۲ درصد کاهش یافته است که تأثیر زیادی بر کاهش اشتغال

در این دوره داشته است. در این دوره حدود ۲۳/۴ هزار فرصت شغلی در بخش صنعت و معدن از دست رفته است.

با توجه به اینکه کاهش اشتغال نسبت به کاهش تولید ناچیز است، می‌توان نتیجه گرفت که تعدیل عامل کار به اندازه کافی صورت نگرفته است. که این مسأله به قوانین مربوط به بازار کار و مسائل اجتماعی مربوط به آن برمی‌گردد.

دوره (۷۰-۱۳۶۸)

اشتغال در بخش صنایع و معادن به طور متوسط سالیانه ۷/۲ درصد افزایش یافته است و به دنبال آن سهم اشتغال این بخش از ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۷



به ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. رشد اشتغال در این بخش به خاطر رشد سریع ارزش افزوده به میزان ۱۲/۵ درصد در سال بوده که دلیل آن را می توان بازسازی واحدهای خسارت دیده و استفاده از ظرفیت های بیکار دانست. در مجموع در بخش صنعت و معدن مجموعاً ۶۸۶/۳ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شد که سهم آن از کل اشتغال ایجاد شده ۴۵/۵ درصد بوده است.

- دوره ۷۵-۱۳۷۱

در بخش صنایع و معادن اشتغال به طور متوسط سالیانه ۴/۳ درصد افزایش یافته است و سهم اشتغال این بخش از ۲۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۳۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ ارتقاء یافته است. رشد اشتغال در این بخش تحت تأثیر رشد ارزش افزوده به میزان ۲/۸ درصد در سال بوده است. افزایش سرمایه سرانه به میزان ۳/۳ درصد در سال بر رشد اشتغال اثر منفی گذاشته است. بهره‌وری نیروی کار در این بخش به طور متوسط سالیانه ۱/۵ درصد کاهش یافته است، که با توجه به رشد سرمایه سرانه قابل توجه نیست. به دلیل وجود ظرفیت های بیکار، پایین بودن کارایی سرمایه گذاری ها انجام شده، حجم نامتناسب عامل کار با سطح تولید، این بخش با مازاد نیروی کار مواجه بوده است. قابل ذکر است که تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ و اجرای آن در سال ۱۳۷۰ به افزایش چسبندگی در بازار کار منجر شده است. چرا که اخراج نیروی کار مشکل تر شده و یا هزینه زیادی برای تولیدکننده دارد. بهره‌وری سرمایه به طور متوسط سالیانه ۴/۸ درصد کاهش یافته است. که در مقایسه با رشد سرمایه سرانه، به میزان زیادی تنزل یافته است. بنابراین مسائل و مشکلات اساسی در امر سرمایه گذاری و تولید وجود داشته است. که به عنوان مثال، مسائلی نظیر عدم توجه به توجیه اقتصادی، فنی و مالی در انتخاب پروژه ها و عدم وجود بازار فروش، بدلیل قیمت

تمام شده بالا یا کیفیت پایین محصولات تولیدی را می توان ذکر کرد. در مجموع حدود ۸۴۲/۷ هزار فرصت جدید شغلی در بخش صنعت و معدن ایجاد شده که حدود ۵۷/۱۱ درصد از کل فرصت های شغلی است، که در کشور ایجاد شده است.

- دوره ۷۸-۱۳۷۶

اشتغال در بخش صنعت و معدن به طور متوسط سالیانه (۰/۵-) درصد کاهش یافته است و به دنبال آن سهم اشتغال این بخش از کل اشتغال کشور از ۳۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. به طور خلاصه طی سال های (۷۸-۱۳۴۵) مطابق آمارهای دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی می توان گفت که:

در بخش صنعت و معدن: میزان اشتغال از ۱۸۶۸ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به ۴۳۹۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. سهم این بخش از اشتغال نیز از ۲۴/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است.

در بخش کشاورزی: سهم این بخش از اشتغال از ۴۹/۸ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. در بخش خدمات: سهم این بخش از اشتغال از ۲۵/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۴۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. همچنین میزان اشتغال در این بخش نیز از ۱۹۲۹/۱ هزار نفر به ۷۳۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است.

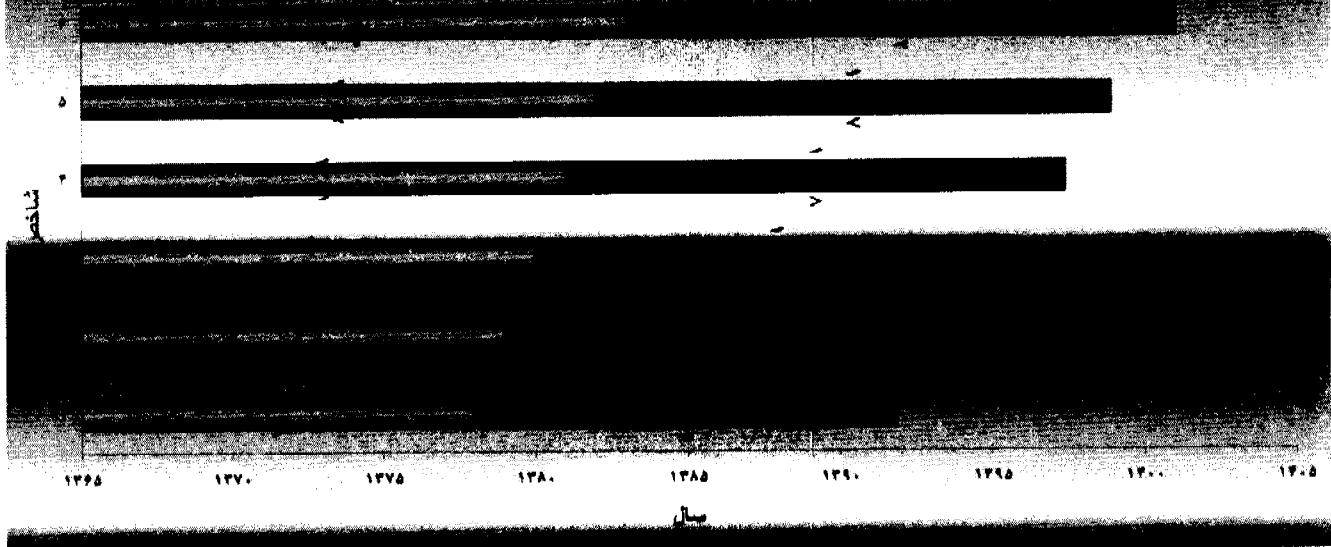
پس همانطوری که ملاحظه می شود، طی سال های (۷۸-۱۳۴۵)، بخش کشاورزی به دلیل ضرورت مکانیزه شدن، قادر به ایجاد اشتغال نبوده و حتی عامل کار مازاد خود را به سایر بخش ها منتقل کرده است. ولی بخش خدمات بیشترین میزان اشتغالی را داشته است که شاید

جدول (۶) - محاسبه سهم بخش صنعت در GDP (میلیارد ریال - درصد)

سال	تولید بخش صنعت	کل تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل (به قیمت ثابت ۷۶)	سهم بخش صنعت در GDP
۱۳۵۵	۱۵۸۶۹/۴	۲۴۲۳۲۶	۶/۵۵
۱۳۶۵	۱۷۳۶۵/۴	۱۹۳۲۳۵/۴	۸/۹۹
۱۳۷۰	۳۱۸۰۳/۶	۲۴۵۰۳۶/۴	۱۲/۹۹
۱۳۷۵	۳۶۴۸۵	۲۸۳۸۰۷/۶	۱۲/۸۶
۱۳۷۸	۴۲۲۶۵/۳	۳۰۴۹۴۱/۲	۱۳/۸۶
۱۳۷۹	۴۶۸۸۰/۶	۳۲۰۰۶۸/۹	۱۴/۶۵
۱۳۸۰	۵۲۴۵۹	۳۳۰۵۶۵	۱۵/۸۷
۱۳۸۱	۵۸۲۵۶	۳۵۵۵۵۴	۱۶/۳۸
۱۳۸۲	۶۴۰۶۷	۳۷۹۸۳۸	۱۶/۸۷
۱۳۸۳	۷۱۷۵۵	۳۹۸۲۳۴	۱۸/۰۲

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه ها و گزارش تحولات اقتصادی، سال های ۸۳-۱۳۵۵.

نمودار شماره (۵) - سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی
(به قیمت ثابت ۷۶)



جدول (۷) - مقایسه سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۹۸

(درصد)

کشور	ایران	ترکیه	چین	کشورهای در حال توسعه
سهم	۱۶/۴۳	۲۳/۹	۴۲/۲	۲۴

مأخذ: UNIDO COUNTRY INDUSTRIAL STATISTICS

بزرگتر خواهد بود. برای محاسبه این شاخص ارزش افزوده بخش صنعت در کارگاه‌های بزرگ صنعتی را بر تعداد کارگران کارگاه‌های بزرگ تقسیم می‌کنیم.
ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی به ازاء هر کارگاه.
این شاخص به عنوان ارزش افزوده سرانه کارگاه‌های بزرگ معروف است. و از تقسیم ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی بر تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی بدست می‌آید.
ارزش تولیدات کارگاه‌های بزرگ صنعتی به ازاء جمعیت کشور: مقدار تولید محصولاتی که تمامی مراحل تولید آن تا پایان سال مورد نظر به پایان رسیده است. این شاخص از تقسیم ارزش تولیدات کارگاه‌های بزرگ صنعتی بر جمعیت کشور بدست می‌آید.

۲.۷. شاخص‌هایی در مورد سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری کل انجام شده در بخش صنعت بر میزان تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی:
این شاخص بازده سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. که از تقسیم کل سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش صنعت بر ارزش تولید کارگاه‌های

بتوان دلایل زیر را برای آن ذکر کرد:
الف) سهم عمده‌ای از اشتغال ایجاد شده در بخش خدمات طی سال‌های (۶۵-۱۳۵۵) و (۷۰-۱۳۶۵) مربوط به اشتغال بخش عمومی بوده است. به طوری که فرضاً اشتغال بخش عمومی از ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. (۲۱)
ب) همچنین سهم عمده‌ای از اشتغال در بخش خدمات، مربوط به مسائل و مشاغل کاذب و غیرمولد، به ویژه دلالی و خرده‌فروشی بوده است. که این امر به خاطر عدم نیاز به مهارت و تحصیلات، خود باعث جذب بیشتر افراد و بیکاران جویای کار به این بخش می‌شود. (۲۲)

۷. معرفی شاخص‌های نظری

۱.۷. شاخص‌هایی در مورد ساختار موجود

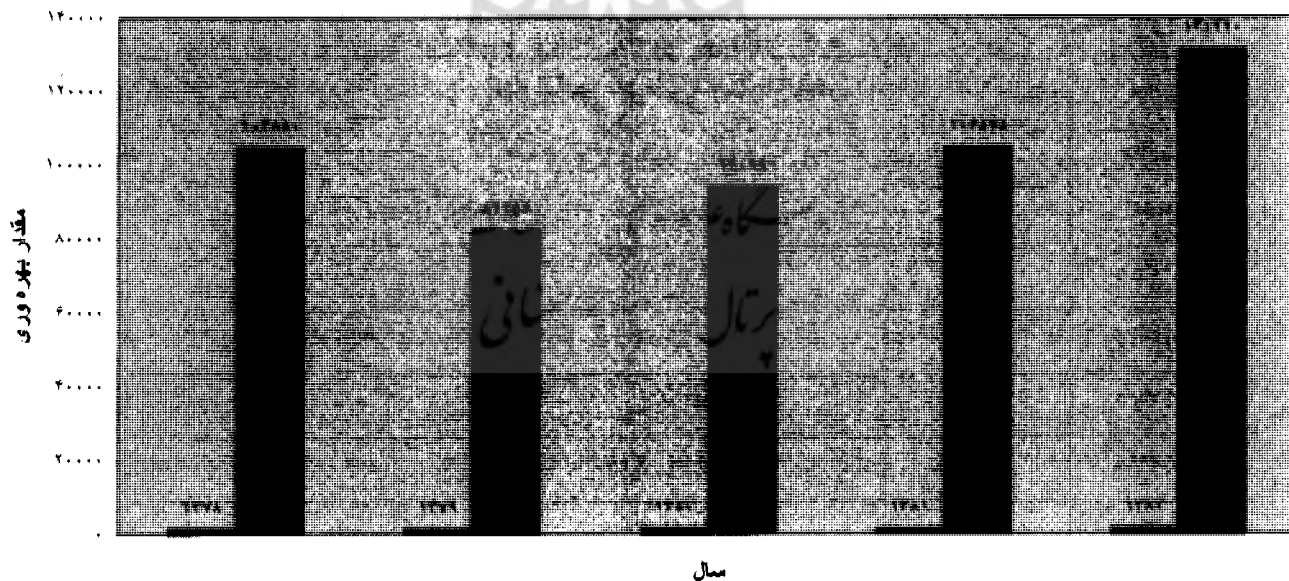
ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی به ازاء هر کارگر:
ارزش افزوده عبارت‌اند از قیمت بازار محصول منهای مخارج و بهای موادی که در آن بکار رفته است. در هر بخش اعم از صنعتی و غیرصنعتی هرچه کارایی اقتصادی بیشتر باشد، رقم ارزش افزوده نیز

جدول (۸) - محاسبه بهره‌وری نیروی کار در کارگاه‌های با ۱۰ نفر کارگر و بیشتر
(هزار نفر - میلیارد ریال - هزار ریال بر نفر)

سال	شاغلین در کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ کارگر و بیشتر	ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر	بهره‌وری نیروی کار	۱ بهره‌وری
۱۳۶۸	۱۴۳۲	۳۳۱۸	۲۳۱۷	%۴۳
۱۳۷۰	۶۳۰	۴۴۴۴	۷۰۵۰	%۱۴
۱۳۷۵	۸۴۵	۲۸۰۷۵	۳۳۲۰۴	%۰۳
۱۳۷۸	۸۸۲	۵۷۷۷۶۲	۱۰۴۸۵۰	%۰۰۹
۱۳۷۹	۹۰۶	۷۴۴۹۲	۸۲۲۵۶	%۰۱
۱۳۸۰	۹۲۱	۸۶۶۷۵/۶	۹۴۰۹۹	%۰۱
۱۳۸۱	۱۰۵۲	۱۱۰۰۶۹/۷	۱۰۴۵۷۵	%۰۰۹
۱۳۸۲	۱۰۸۵	۱۴۲۴۲۰/۹	۱۳۱۲۲۰	%۰۰۸

مأخذ: ابراهیم رزاقی، نشرنی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰.

نمودار شمع‌واره (۲) - بهره‌وری نیروی کار در کارگاه‌های با ده نفر کارگر و بیشتر



سال

۳-۷. شاخص‌های کارایی

ارزش افزوده به تولید

برای محاسبه این شاخص ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی را بر ارزش تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی تقسیم می‌کنیم.
تولید به ازاء هر کارگاه:
برای محاسبه این شاخص ارزش تولیدات کارگاه‌های بزرگ را

بزرگ صنعتی بدست می‌آید.

نسبت سرمایه‌گذاری کل به ارزش افزوده:

این شاخص با تقسیم جمع کل سرمایه‌گذاری کارگاه‌های بزرگ صنعتی به ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی بدست می‌آید. این شاخص نشان می‌دهد که چه مقدار از ارزش افزوده مصرف سرمایه‌گذاری رسیده است.

بزرگ صنعتی تقسیم می کنیم. اما از آنجایی که تمامی متغیرها با بزرگتر شدن نشان دهنده بهبود وضعیت هستند، بنابراین این شاخص را باید معکوس کنیم.

۸. محاسبه و تجزیه و تحلیل برخی از شاخص های بخش صنعت

بعد از معرفی شاخص، در قسمت قبل، در این قسمت به بررسی بعضی از آن شاخص ها در مورد، وضعیت صنعت ایران می پردازیم. فقط لازم به ذکر است. که غالباً این شاخص را در دو قسمت جداگانه محاسبه کرده ایم.

برآورد شاخص ها برای کل صنعت

برآورد شاخص ها برای کارگاه های صنعتی با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در مورد، برخی از شاخص ها، در صورت نیاز، برای مقایسه وضعیت صنعت ایران، با کشورهای دیگر، این شاخص ها با هم مقایسه شده تا اینکه حد توان بتوانیم، وضعیت بخش صنعت از بعد اشتغال، بهره وری و کاربری یا سرمایه بری تولیدات را بررسی کنیم.

۱.۸. سهم بخش صنعت در GDP

بر اساس اطلاعات جدول (۶) تولید ناخالص داخلی کشور در سال

بر تعداد کارگاه های بزرگ صنعتی تقسیم می کنیم که هرچه تولید به ازای هر کارگاه بیشتر باشد، نشان دهنده کارایی بیشتر بخش صنعت است. تولید صنعت بر تولید کل کشور:

این شاخص سهم تولید صنعتی از کل کشور را نشان می دهد که برای محاسبه این شاخص ارزش تولید کارگاه های بزرگ صنعتی را بر کل تولید کشور تقسیم می کنیم.

۴.۷. شاخص های بهره وری نیروی کار

تولید سرانه نیروی کار:

اگر ارزش تولیدات در کارگاه های بزرگ صنعتی را بر تعداد شاغلان در این کارگاه ها تقسیم کنیم، این شاخص بدست می آید. ارزش داده ها به تعداد شاغلان:

این شاخص به نوعی نشان دهنده بهره وری در کارگاه های بزرگ صنعتی است. این شاخص از تقسیم ارزش داده های کارگاه های بزرگ صنعتی بر تعداد شاغلان کارگاه های بزرگ صنعتی بدست می آید.

۵.۷. شاخص هزینه نیروی کار

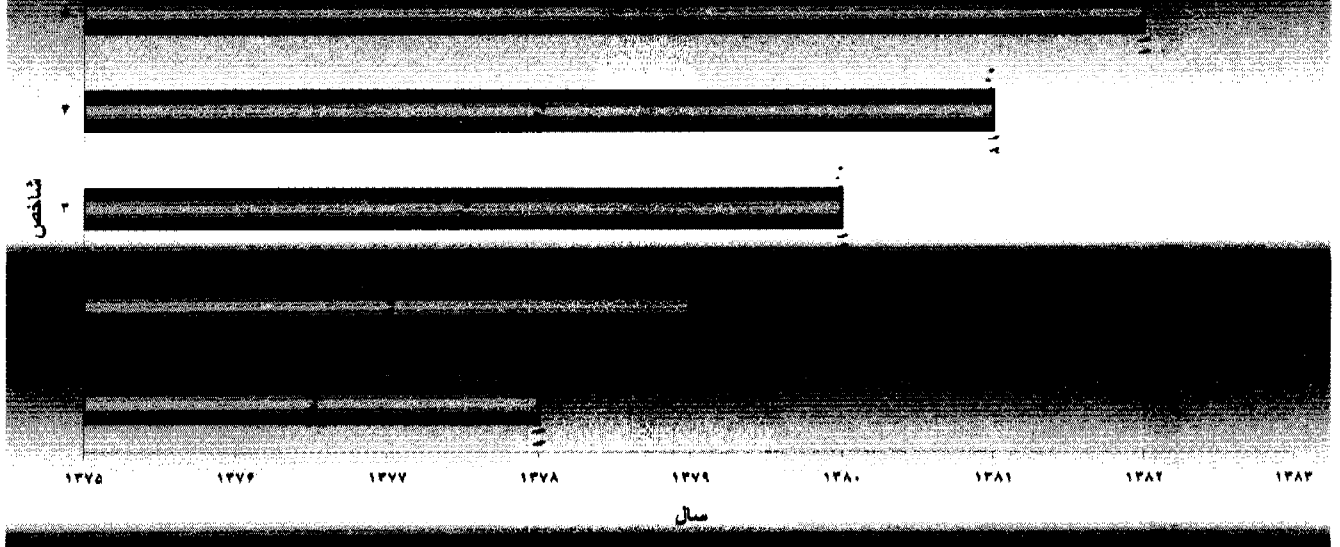
برای محاسبه شاخص هزینه نیروی کار، ارزش جبران خدمات در واحدهای بزرگ صنعتی را بر تعداد مزد و حقوق بگیریان در واحدهای

جدول (۹) - محاسبه نسبت نیروی کار به سرمایه ثابت ناخالص صنعت (برای کل صنعت)

(هزار نفر - میلیارد ریال)

سال	کل شاغلین بخش صنعت	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص صنعت (میلیارد ریال و به قیمت ثابت ۷۶)	کل شاغلین صنعت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۱۳۵۵	۱۶۶۲	۵۳۲۵۲/۱	۰/۰۰۰۰۰۳
۱۳۶۵	۱۴۵۱	۱۲۰۴۰/۶	۰/۰۰۰۰۱۲
۱۳۷۵	۲۵۵۲	۲۱۹۷۷/۴	۰/۰۰۰۰۱۲
۱۳۷۸	۲۹۷۹	۲۷۴۱۴/۶	۰/۰۰۰۰۱۱
۱۳۷۹	۳۱۱۷	۲۷۷۷۶/۳	۰/۰۰۰۰۱۱
۱۳۸۰	۲۹۲۰	۲۰۷۸۸	۰/۰۰۰۰۱۴
۱۳۸۱	۲۹۳۳	۲۳۷۲۶	۰/۰۰۰۰۱۲
۱۳۸۲	۲۹۴۷	۲۶۵۷۷	۰/۰۰۰۰۱۱

مأخذ: ارقام مربوط به سرمایه ثابت ناخالص بخش صنعت: بانک مرکزی، حساب های ملی، سال های مختلف



درصد است. در حالی که این نرخ برای کشورهای در حال توسعه بیش از ۱۰ درصد است. که این شاخص نیز نشان از عدم موفقیت در بخش صنعتی کشور می باشد.

۲.۸- سهم نیروی کار در تولیدات صنعتی

این شاخص بهره‌وری نیروی کار است. چرا که نسبت تولید یا ارزش افزوده هر بخش به نیروی کار شاغل در آن بخش میزان بهره‌وری نیروی کار در آن بخش را نشان می دهد که هر چه میزان این رقم بزرگتر باشد نشان از بهره‌وری بیشتر نیروی کار در آن بخش خواهد بود. یعنی می توان با یک واحد نیروی کار، تولید بیشتری انجام داد. حال آنکه نسبت نیروی کار شاغل در یک بخش به تولید آن بخش، سهم نیروی کار در تولید را نشان می دهد. یعنی برای یک واحد تولید، چه میزان نیروی کار مصرف شده است، پس هر قدر این شاخص کوچکتر باشد، نشان از بهتر شدن وضعیت تولید در آن بخش خواهد بود.

با عنایت به اطلاعات مندرج در جدول (۸) که محاسبه شاخص سهم نیروی کار در تولید برای دو بخش (کل صنعت و کارگاه‌های با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر) را نشان می دهد بهره‌وری نیروی کار در سال ۱۳۷۸ معادل ۶۵۵ میلیارد ریال بوده است که در سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۳۱/۲ میلیارد ریال کاهش پیدا کرده است البته این در حالی است که طی همین دوره تعداد شاغلین کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ کارگر و بیشتر از ۱۴۳۲ نفر به ۱۰۸۵ نفر کاهش داشته است. اما میزان بهره‌وری نیروی کار با استناد به جدول فوق روند نزولی داشته و از ۴۳ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۰۰۸ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است.

این شاخص به دلایل جنگ و تحریم اقتصادی و ... برای بخش کل صنعت طی سال‌های (۶۵-۱۳۵۵) بیشتر شده، یعنی در واقع برای تولید یک واحد، در سال ۱۳۶۵، نیروی کار بیشتری نسبت به سال ۱۳۵۵ برای

۱۳۵۵ به قیمت عوامل ۲۴۲۳۲۶ میلیارد بوده است که در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به ترتیب به ارقام ۳۷۹۸۳۸ و ۳۹۸۲۳۴ میلیارد ریال افزایش پیدا نموده است. از طرف دیگر تولید بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳ از نوسانات زیادی برخوردار بوده است به طوری که میزان تولید بخش مزبور در سال ۱۳۵۵ از ۱۵۸۶۹/۴ میلیارد ریال به ۷۱۷۵۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است که این موضوع نشان دهنده ۳۵۲ درصد رشد می باشد. همچنین با توجه به جدول مورد نظر سهم بخش در صنعت در تولید ناخالص در سال ۱۳۵۵ معادل ۶/۵۵ درصد بوده در حالی که سهم بخش مورد نظر در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به ترتیب به ۱۶/۸۷ و ۱۸ درصد افزایش پیدا کرده است. ضمناً در نمودار (۵) نیز سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ نشان داده شده است.

بنابراین با مقایسه ارقام جدول (۶) و (۷) می توان دید که سهم بخش صنعت کشورمان در مقایسه با کشورهای دیگری نظیر چین بسیار کم است. از آنجایی که این سهم به عنوان شاخص پویایی و صنعتی شدن، است با مقایسه این شاخص فرضاً برای سال ۱۳۷۰، با سال ۱۳۷۸، می توان دید که به هیچ وجه در میزان این شاخص تغییر حاصل نشده است یعنی در واقع هیچ اقدام اصولی برای بهبود این سهم در کشور انجام نشده است. برای محاسبه نرخ رشد متوسط سالیانه تولیدات بخش صنعت داریم که:

$$\alpha = \left(\sqrt[n]{\frac{x_n}{x_0}} - 1 \right) \times 100$$

$$\alpha = \left(\sqrt[5]{\frac{2624/5}{189}} - 1 \right) \times 100 = 5/74$$

نرخ رشد متوسط سالیانه تولیدات در بخش صنعتی کشور ۵/۷۴

جدول (۱۰) - محاسبه نسبت نیروی کار به سرمایه ثابت ناخالص صنعت (برای کارگاه‌های

صنعتی با ۱۰ نفر کارگر و بیشتر)

(هزار نفر - میلیارد ریال)

سال	شاغلین در کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر ^۱ کارگر و بیشتر	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص صنعت (به قیمت ثابت ۷۶)	شاغلین در کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارگر و بیشتر سرمایه ثابت ناخالص صنعت
۱۳۵۵	۲۹۶/۸	۵۳۲۵۲/۱	۰/۰۰۰۰۰۵
۱۳۶۵	۵۵۹	۱۲۰۴۰/۶	۰/۰۰۰۰۰۰۴۶
۱۳۷۰	۶۳۰	۲۷۰۳۷/۹	۰/۰۰۰۰۰۲
۱۳۷۵	۸۴۵	۲۱۹۷۷/۴	۰/۰۰۰۰۰۰۴
۱۳۷۸	۸۸۲	۲۷۴۱۴/۶	۰/۰۰۰۰۰۰۳
۱۳۷۹	۹۰۵	۲۷۷۷۶/۳	۰/۰۰۰۰۰۰۳
۱۳۸۰	۹۲۱	۲۰۷۸۸	۰/۰۰۰۰۰۰۴
۱۳۸۱	۱۰۵۲	۲۳۷۲۶	۰/۰۰۰۰۰۰۴
۱۳۸۲	۱۰۸۵	۲۶۵۷۷	۰/۰۰۰۰۰۰۴

مأخذ: (۱) نیلی، مسعود، اقتصاد ایران، انتشارات: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶

(۲) ابراهیم رزاقی، نشرنی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰.

(۳) نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر

توضیح (۱): کارگاه‌های با ۱ تا ۹ نفر کارگر در این محاسبه، لحاظ نشده‌اند.

نمودار شماره (۸) - نسبت نیروی کار به سرمایه ثابت ناخالص کارگاه‌های صنعتی با ده نفر و بیشتر

سال جامع علوم انسانی

شاخص

۱۳۷۵ ۱۳۷۶ ۱۳۷۷ ۱۳۷۸ ۱۳۷۹ ۱۳۸۰ ۱۳۸۱ ۱۳۸۲ ۱۳۸۳

سال

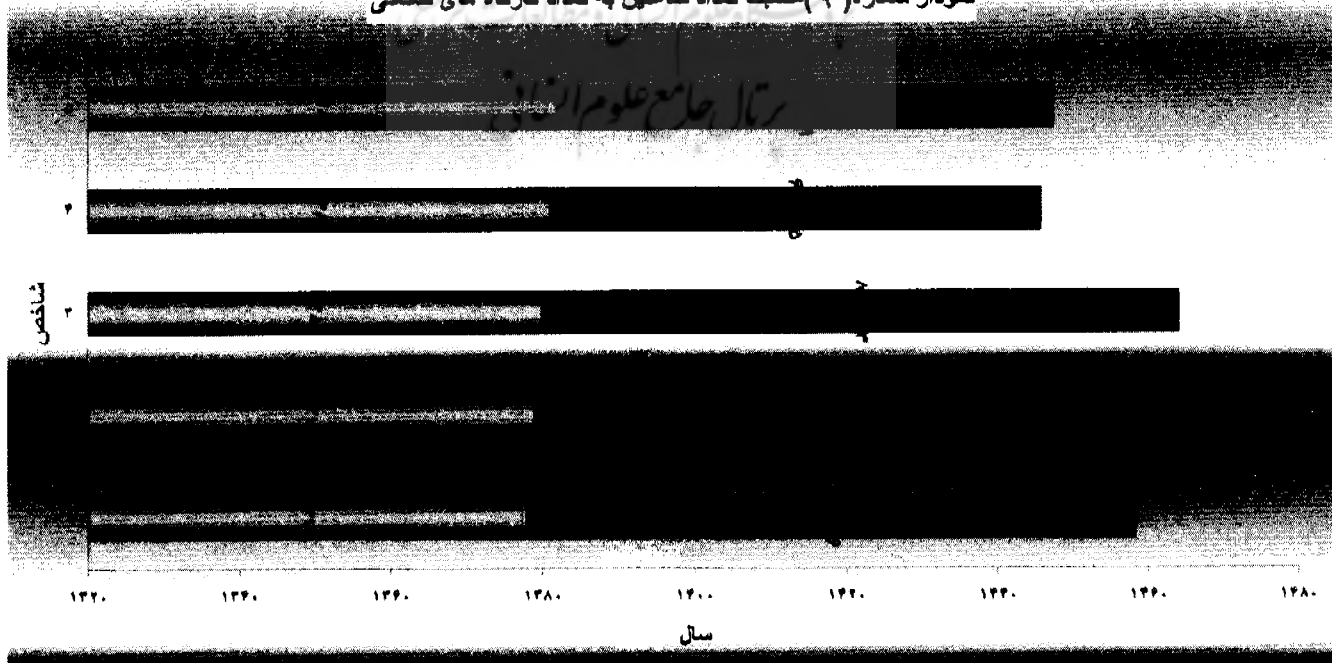
جدول (۱۱) - محاسبه شاخص نسبت تعداد شاغلین صنعتی به تعداد کارگاه‌های صنعتی

سال	تعداد شاغلین در کارگاه‌های با ۱۰ نفر کارکن و بیشتر ^۱ (L)	تعداد کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارگر و بیشتر (N)	$\frac{L}{N}$
۱۳۵۵	۲۹۶۸۰۰	۴۸۰۰	۶۱/۸۳
۱۳۶۵	۵۵۹۰۰۰	۶۱۲۰	۹۱/۳۴
۱۳۷۰	۶۳۰۰۰۰	۵۶۸۷	۱۱۰/۷۸
۱۳۷۵	۸۴۵۰۰۰	۱۳۳۷۱	۶۳/۱۹
۱۳۷۸	۸۸۲۰۰۰	۱۱۰۰۲	۸۰/۱۶
۱۳۷۹	۹۰۵۶۱۰	۱۱۲۰۰	۸۰/۸۶
۱۳۸۰	۹۲۱۱۰۶	۱۰۹۸۷	۸۳/۸۳
۱۳۸۱	۱۰۵۲۵۴۱	۱۶۳۰۵	۶۴/۵۵
۱۳۸۲	۱۰۸۵۳۶۳	۱۶۶۴۹	۶۵/۱۹

توضیح (۱): کارگاه‌های با ۱ تا ۹ نفر کارکن در این محاسبه، لحاظ نشده است.

مأخذ: ابراهیم رزاقی، نشرنی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰.

نمودار شماره (۹) نسبت تعداد شاغلین به تعداد کارگاه‌های صنعتی



۱۳۲۰ ۱۳۶۰ ۱۳۸۰ ۱۴۰۰ ۱۴۲۰ ۱۴۴۰ ۱۴۶۰ ۱۴۸۰

سال

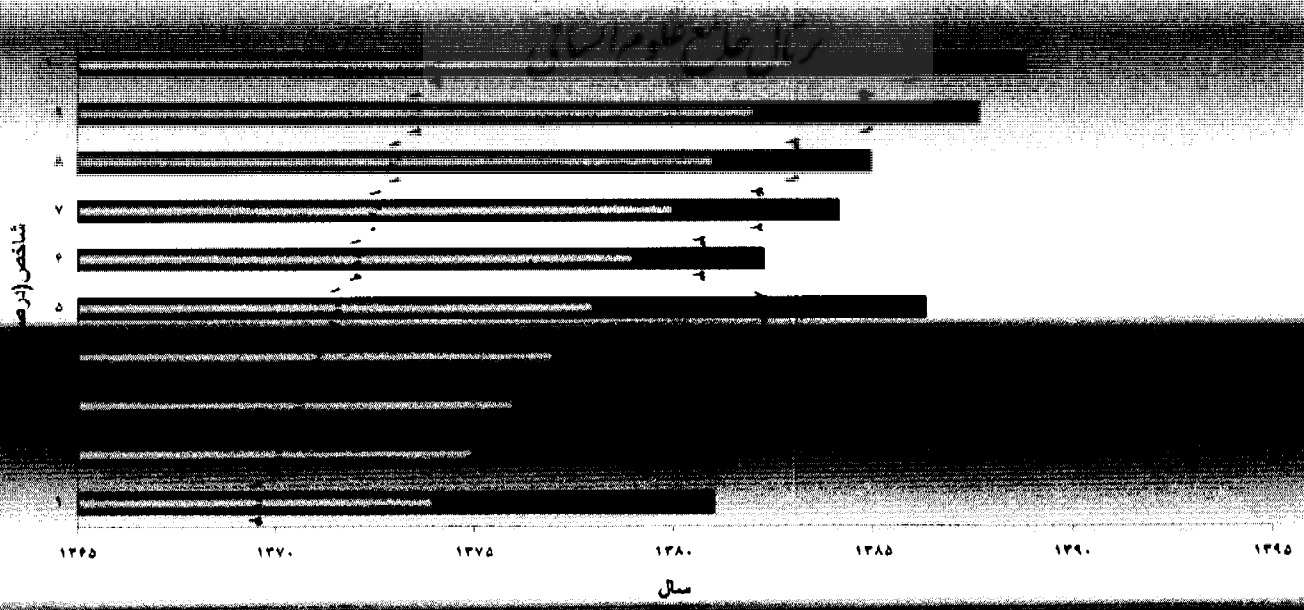
جدول (۱۲) - صادرات غیرنفتی و سهم آن در کل صادرات

(میلیون دلار - درصد)

سال	صادرات صنعتی	کل صادرات	سهم صادرات صنعتی از کل صادرات
۱۳۷۴	۱۲۷۶/۳	۱۸۳۶۰	٪۷
۱۳۷۵	۱۴۱۳/۱	۲۲۳۹۱	٪۶/۳
۱۳۷۶	۱۵۷۹/۸	۱۸۳۸۱	٪۸/۶
۱۳۷۷	۱۵۸۸/۲	۱۳۱۸۱	٪۱۲
۱۳۷۸	۱۷۴۷/۴	۲۱۰۳۰	٪۸/۳
۱۳۷۹	۹۱۹/۲	۲۸۴۶۱	٪۳/۲۳
۱۳۸۰	۹۸۶/۹	۲۳۹۰۴	٪۴/۱۲
۱۳۸۱	۱۱۰۳/۴	۲۸۲۳۷	٪۳/۹۱
۱۳۸۲	۱۹۰/۶	۳۳۹۹۱	٪۵/۶۱
۱۳۸۳	۲۵۴۸	۴۳۸۵۲	٪۵/۸۱

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه‌ها و گزارش تحولات اقتصادی، سال‌های ۸۳-۱۳۵۵

نمودار شماری (۱۰) - سهم صادرات صنعتی از کل صادرات



جدول (۱۳) - میزان و سهم صادرات صنعتی به کل صادرات کشور و مقایسه آن با کشورهای دیگر در سال ۱۹۹۹م

کشور	میزان صادرات صنعتی (میلیون دلار)	سهم صادرات صنعتی از کل صادرات (درصد)	نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی (درصد)
ایران*	۱۷۴۸	۸/۳	۱/۷
ترکیه	۲۳۷۵۷	۸۹/۴	۱۲/۹
چین	۱۸۳۳۸۸	۹۴/۱	۱۸/۶
کره جنوبی	۱۳۸۶۸۸	۹۸/۵	۳۴/۱

مأخذ: یویندو ۲۰۰۰

* میزان صادرات صنعتی ایران در سال ۱۳۷۸ است.

این شاخص نیز همانند شاخص‌های قبلی، برای سال‌های (۶۵-۱۳۵۵) زیاد شده است. چرا که به دلیل جنگ و محاصره اقتصادی، به دلیل وفور نیروی انسانی، اکثر تولید و کار توسط این عامل صورت گرفته است. برای سال‌های (۷۰-۱۳۶۵) و (۷۵-۱۳۷۰) نیز همواره نسبت کاهش یافته است که نشان‌دهنده سرمایه‌بر بودن تولیدات صنعتی طی این دوران است و برای سال‌های (۷۸-۱۳۷۵) به دلیل توجه به اشتغال و بیکاری موجود، اندکی سهم افزایش یافته است. که این نه به خاطر کاربری تولیدات صنعتی، بلکه به دلیل وجود مشکلات بیکاری در جامعه است.

همانگونه که مشاهده می‌شود سرمایه ثابت ناخالص بخش صنعت در سال ۱۳۵۵، حتی بیشتر از کلیه سال‌های بعد از انقلاب، حتی سال ۱۳۷۸ است. که این نشان‌دهنده حجم ناچیز سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، بعد از انقلاب است. به طوری که کمترین این میزان برای سال‌های دوران جنگ است. البته روند نوسانات سرمایه‌گذاری در سال‌های بعد کاملاً مشهود می‌باشد به طوری که میزان سرمایه ثابت ناخالص در بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ به ترتیب به ۲۷۷۷۶/۳، ۲۰۷۸۸، ۲۳۷۲۶ و ۲۶۵۷۷ میلیارد ریال بوده است بنابراین ملاحظه می‌شود که در این سال‌ها سرمایه‌گذاری قابل توجهی در این خصوص صورت نگرفته است.

۴.۸. محاسبه شاخص

تعداد شاغلین صنعتی تعداد کارگاه‌های صنعتی
این شاخص در واقع به نوعی نشان‌دهنده بزرگی یا کوچکی واحدهای صنعتی است. مطابق جدول (۱۱) تعداد کارگاه‌های صنعتی، از ۴۸۰۰

تولید همان کالا، لازم بوده است. (بدتر شدن این شاخص) ولی طی سال‌های (۷۰-۱۳۶۵) به دلیل استفاده از ظرفیت‌های بیکار و اتمام جنگ و ... این شاخص اندکی بهتر شده است. (کم شده است).

در بین سال‌های (۷۵-۱۳۷۰) دوباره این شاخص اندکی افت داشته و بدتر شده ولی برای سال‌های (۷۸-۱۳۷۵) این شاخص کم شده یعنی در واقع بهتر شده است که این خود نشان از یک بی‌ثباتی در اقتصاد کلان جامعه ماست. چرا که بیشتر از آنکه به مسائل اقتصادی متکی باشیم، بیشتر به شرایط محیطی وابسته‌ایم. یعنی هیچ روند مشخصی برای بهتر شدن (بهره‌وری) در این بخش از اقتصاد نداشته‌ایم.

۳.۸. محاسبه کاربری یا سرمایه‌بری تولیدات صنعتی

جدول (۹) وضعیت نیروی کار به سرمایه ثابت ناخالص صنعت (برای کل صنعت) را نشان می‌دهد بر این اساس تعداد شاغلین بخش مذکور در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۶۶۲ هزار نفر بوده که در سال ۱۳۸۲ به ۲۹۴۷ هزار نفر افزایش پیدا نموده است از طرف دیگر در همین دوره میزان سرمایه ثابت ناخالص صنعت با قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ از ۵۳۲۵۲/۱ به ۲۶۵۷۷ رسیده است بنابراین نسبت نیروی کار به سرمایه ثابت ناخالص صنعت نیز به تبع این تغییرات دچار نوسان و تغییر گردیده است.

مطابق جداول (۹) و (۱۰)، که کاربری یا سرمایه‌بری تولیدات بخش صنعت را نشان می‌دهد، هر قدر نسبت بزرگتر باشد یعنی تولید کاربرتر و برعکس، هر قدر نسبت کمتر باشد، تولید سرمایه‌برتر خواهد بود.

۹. تنگناهای بخش صنعت و

معدن کشور در ایجاد اشتغال

با توجه به مطالب گفته شده می توان گفت که در حال حاضر جامعه ایران با چهار پدیده مهم در بحث اشتغال مواجه است که عبارتند از:

(الف) افزایش شدید جمعیت در گروه سنی فعال (۶۴-۱۵) سال

به طوری که سهم جمعیت فعال از ۴۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۳ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. به طوری که در سال ۸۰ بیش از ۴۱ میلیون نفر از جمعیت کشور، جز جمعیت فعال کشور محسوب می شدند.

(ب) افزایش شدید جمعیت شهرنشینی:

به طوری که ضریب شهرنشینی از ۵۴/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۴/۸ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

(ج) افزایش نرخ باسوادی و فارغ التحصیلان دانشگاهی
(د) افزایش تقاضای کار در گروه جنسی زنان به دلیل شرایط موجود در جامعه از حیث آزادی اجتماعی و ...

۱۰. نتیجه گیری

بررسی ساختار اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی گویای آن است که نسبت اشتغال در گروه صنعت و معدن از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. در حالی که سهم بخش خدمات از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۴۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران از ۸/۱۴ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۱۸/۰۲ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است که مبین مازاد نیروی انسانی در این بخش است، چرا که در یک اقتصاد متعادل معمولاً سهم نیروی انسانی با سهم ارزش افزوده هر بخش به یکدیگر نزدیک است. این عدم تعادل را می توان ناشی از کم اقبالی جامعه به سرمایه گذاری در صنعت به علت شرایط نامساعد اقتصادی، تغییرات شدید قوانین و مقررات، ناهم خوانی قوانین و مقررات با نیاز اقتصادی کشور، دیر بازدهی سرمایه گذاری در صنعت، کهنگی ماشین آلات و تجهیزات و عدم تطبیق صنعت کشور با صنایع روز جهان و شرایط جمعیتی و تقاضای کشور دانست.

به طوری کلی با بررسی شاخص های علمی در مورد وضعیت صنعت و اشتغالزایی بخش صنعت باید اذعان کرد که:

طی سال های (۶۵-۱۳۵۵) اکثر شاخص های بخش صنعت وضعیت مطلوبی نداشته اند. مهمترین دلیل آن را وجود شرایط بحرانی و جنگی در کشور دانست در واقع دوره مذکور یک مرحله انتقالی است. ولی طی سال های (۷۰-۱۳۶۵) اکثر شاخص های بخش صنعت بهتر



کارگاه در سال ۱۳۵۵ به ۱۶۶۴۹ کارگاه در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. ولی این شاخص نیز باز یک روند مشخص را نشان نمی دهد. به طوری که در سال ۱۳۵۵، به طور متوسط در یک کارگاه صنعتی ۶۲ نفر کار می کند. ولی در سال ۱۳۷۰، این رقم به ۱۱۰ نفر و در سال ۱۳۸۰ رقم مزبور به ۸۳ نفر کاهش پیدا کرده که این روند نزولی طی سال های بعد نیز ادامه یافته به طوری که در سال ۱۳۸۲ رقم مورد نظر به ۶۵ نفر رسیده است که این موضوع چشم انداز چندان مثبتی را در این رابطه نشان نمی دهد. تقلیل نسبت مزبور ممکن است ناشی از عوامل مختلف باشد که از آن جمله می توان به اجرای قانون کار جدید و سخت شدن ارتباط کارفرما و کارگر اشاره نمود.

۵.۸. سهم صادرات صنعتی از کل صادرات ایران و مقایسه آن با کشورهای دیگر

با توجه به اینکه سرمایه گذاری های صنعتی با رویکرد صادراتی هم بیشترین حجم، اشتغالزایی را در بر داشته و هم به دلایلی از قبیل ثبات نسبی بخش از استمرار و ثبات بیشتری برخوردار است، سهم صادرات صنعتی را در ترکیب صادرات کشور با چند کشور دیگر مقایسه می نمایم.

مطابق جدول (۱۳) سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کشور طی سال های (۸۳-۱۳۷۴)، روند کاهشی داشته است به طوری که سهم صادرات صنعتی از کل صادرات در سال ۱۳۷۴ حدود ۷ درصد بوده که این نسبت طی سال های اخیر با افت قابل ملاحظه ای مواجه شده است که به عنوان مثال نسبت مورد نظر در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۸۰ به ترتیب به ۳/۹۱ درصد، ۵/۶۱ درصد، ۵/۸۱ درصد رسیده است. این امر در حالی است که میزان صادرات غیر نفتی طی سال های مختلف افزایش مناسبی داشته است ولی سهم بخش صنعت در این خصوص ناچیز بنظر می رسد.

بر اساس جدول (۱۳) که به مقایسه شاخص میزان و سهم صادرات صنعتی به کل صادرات کشور با ارقام مشابه کشورهای کره جنوبی، ترکیه، چین می پردازد، سهم صادرات صنعتی از کل صادرات بسیار اندک می باشد که به عنوان مثال سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کشور در سال ۱۹۹۹ میلادی ۸/۳ درصد بوده که این در ارتباط با کره جنوبی که ۹۸/۵ درصد می باشد، بسیار ضعیف و ناچیز می باشد که این موضوع بیانگر ضعف بنیادی و اساسی این بخش از اقتصاد کشور می باشد و شاید با مشاهده این سهم برای کشوری مثل ترکیه، بتوان این عقب ماندگی را بیشتر احساس کرد.

با مقایسه نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی می توان دید که باز کمترین این سهم در بین این کشورها مربوط به ایران است. ما در واقع هیچگاه بخش تولید صادرات مجزا نداشته ایم. یعنی همواره مازاد تولید یا بهتر، مازاد مصرف خود را صادر کرده ایم.

شده‌اند. مهمترین دلیل آن، استفاده از ظرفیت‌های بیکار در اقتصاد و ایجاد شرایط عادی با ریسک کمتر برای سرمایه‌گذاری به دلیل پایان یافتن جنگ تحمیلی می‌باشد.

دوباره طی سال‌های (۷۵-۱۳۷۰) تغییر قابل ملاحظه‌ای در این شاخص‌ها نمی‌توان دید، تا اینکه سرانجام طی سال‌های (۸۳-۱۳۷۵) شاخص‌های بخش صنعت اندکی بهبود یافته است. ولی در مجموع وضعیت این شاخص‌ها نیز همانند کارکرد بسیاری از شاخص‌های دیگر اقتصادی، در کشور ما از یک روند خاص پیروی نمی‌کند و نمی‌توان با تکیه بر روند تحولات آن‌ها گفت که آیا وضعیت صنعت و اشتغال در آن، بهتر شده است یا خیر.

در سال ۱۳۸۵ درصد جمعیت فعال کشور به کل جمعیت کشور به حدود ۳۱/۹ درصد رسیده است.

در ۴ سال اول برنامه سوم به طور خالص به ترتیب ۴۳۰، ۴۹۰، ۶۹۰ و ۶۷۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است. بدین ترتیب طی چهار سال اول برنامه سوم در مجموع ۲ میلیون و ۲۸۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است، در حالی که طبق هدف برنامه باید ۲ میلیون و ۸۹۸ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد می‌شد و این به معنی تحقق ۷۸/۷ درصد هدف برنامه است. ذکر این نکته ضروری است که در چهار سال اول برنامه سوم به طور متوسط سالیانه ۵۷۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است که نسبت به متوسط سالیانه ۳۸۳ هزار فرصت شغلی جدید در برنامه اول و ۲۸۱ هزار شغل جدید در برنامه دوم افزایش شایان توجهی را نشان می‌دهد.

برای پاسخگویی به عرضه شتابان نیروی کار، هم به لحاظ رشد بالای جمعیت در کشور در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و هم به جهت تحرک ناکافی اقتصاد کشور، که طی ۲۴ سال گذشته جویگوی این عرضه شتابان نبوده است، در سال‌های اخیر دولت علاوه بر راهکارهای مورد نظر برنامه رویکردهای ویژه‌ای در رابطه با بسیج منابع و امکانات بالفعل و بالقوه کشور، نظیر استفاده از ساز و کار وجوه اداره شده برای گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تأمین منابع برای اجرای طرح ضربتی اشتغال، اعطای تسهیلات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی، استفاده از تسهیلات فاینانس خارجی برای اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته را مورد اهتمام خود قرار داده است. این اقدامات تحریک تقاضای نیروی کار و بسترسازی برای تحقق رشد بیشتر و کارا تر اشتغال در آینده را به دنبال خواهد داشت براساس گزارش شورای عالی اشتغال تا پایان اردیبهشت سال ۱۳۸۲ مجموعاً ۱۱ هزار و ۷۵۰ میلیارد ریال تسهیلات از محل اعتبارات وجوه اداره شده پرداخت شده است که ۲ هزار و ۱۹۹ میلیارد ریال آن ملی و ۹ هزار و ۵۵۱ میلیارد ریال آن استانی بوده است. فرصت‌های شغلی دوران بهره‌برداری طرح‌های موضوع قراردادها تسهیلات مزبور حدود ۳۰۲ هزار نفر است براساس همین گزارش در سال ۱۳۸۲ صد درصد تسهیلات وجوه اداره شده برای ایجاد اشتغال تخصیص یافته است. لیکن، تسهیلات مذکور به دلیل پذیرش طرح‌های اشتغالزایی تا سقف ۲ تا ۳ برابر تسهیلات در سال‌های قبل بیشتر به تعهدات ایجاد شده در این سال اختصاص یافته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اطلس ملی ایران، کار و نیروی انسانی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان نقشه‌برداری کشور، مرکز آمار ایران، ص ۲۵.
۲. "ساختار جمعیتی ایران و صنعت"، محمدعلی حقی، مجله کارآفرین، شماره ۱۵، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴.
۳. بیژن باصری، "بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در صادرات غیرنفتی بر ایجاد اشتغال"، پایان‌نامه، علوم و تحقیقات، سال ۱۳۸۰.
۴. کریم آذربایجانی، اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل بهره‌وری صنایع کشور، سازمان برنامه و بودجه، اصفهان، سال ۱۳۷۶.
۵. حسین ابطحی، بابک کاظمی، "بهره‌وری"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سال ۱۳۷۹.
۶. خدیجه سیرت دوست، "بررسی اثر بهره‌وری بر رشد صنعت طی سال‌های (۷۲-۱۳۵۱)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم و تحقیقات، سال ۱۳۷۶.
۷. ویلیام اچ. برانسون، اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، سال (۱۳۷۶)، تهران.
۸. رودیگر دورنبوش و استانی فیشر، اقتصاد کلان، ترجمه صمد تیزهوش، انتشارات سروش، ۱۳۷۵، ص ۳۲.
۹. ای‌اف، شوماخر، کوچک زیماست، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۰، ص ۶۰ و ۱۵۹.
۱۰. فرهنگ تعاریف و مفاهیم بکار رفته در طرح‌ها و گزارش‌های آماری، مرکز آمار ایران، خرداد ۱۳۷۴، جلد ۵، ص ۲۷-۲۶.
۱۱. سه‌ه‌ارک پارک، "تجزیه و تحلیل داده‌ستانه بین بخش صنعت و خدمات در کشورهای مختلف و اثر آن در زمینه اشتغال‌زایی"، ترجمه بایزید مردوخ، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۷۰، تهران.
۱۲. بیژن باصری، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در صادرات غیرنفتی برای ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران، رساله، واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۳۸۰.
۱۳. بهروز هادی‌زنوز، "راهبرد تجاری و توسعه صنعتی در ایران"، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۴.
۱۴. غلام‌علی فرجادی، حسین عباسی، "بازار کار، اشتغال و بیکاری"، مسعود نیلی، اقتصاد ایران، ۱۳۸۰.
۱۵. ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، نشر نی، سال ۱۳۸۰.
۱۶. مسعود نیلی، اقتصاد ایران، انتشارات مؤسسه پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی، سال ۱۳۷۶، ص ۲۹۸.
۱۷. همان مأخذ.
۱۸. انور خسروی، تعیین نابرابری صنعتی میان استان‌های کشور در سه مقطع ۱۳۵۳، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۳۷۷.
۱۹. در این محاسبات کارگاه‌های صنعتی از ۱ تا ۹ نفر محاسبه نشده است.
۲۰. محمدعلی حقی، ساختار جمعیتی ایران و صنعت، مجله کارآفرین، شماره ۱۵، خرداد ۱۳۸۱، ص ۱۹-۱۴.
۲۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۰.
۲۲. همان.